

حماسه ۲۲ شیر

کوشه‌ای از مبارزات کارگران نفت خوزستان

گردآوری و مقدمه از ف.م. جواشیر

- حماسه ۲۳ تیر
- گرد آوری و مقدمه از ف. م. جوانشیر (فرج الله میزانی)
- انتشار مجدد: چاوشان نوزایی کبیر
- آدرس:

<http://chawoshan.mihanblog.com>

نظری به وضع کارگران نفت قبل از اعتصاب تیر ماه ۱۳۲۵

طبقه کارگر پیکارجوی ایران باید گذشته خود را به درستی بشناسد و بداند که گذشته ای دردناک و در عین حال افتخارآمیز دارد. هر لقمه نانی که امروز از گلوی فرزند کارگر پایین می رود و هر کلمه ای که او در دبستان می آموزد، حاصل سال ها نبرد خونین و تلاشی پر درد و رنج است. در گذشته ای نه چندان دور در کشور ما به کار بردن کلمه کارگر قدغن بود. می گفتند این کلمه کمونیستی است، می بایست به جای آن کلمه عمه و عملجات را به کار برد. به سال ۱۳۲۰ زمانی که حزب توده ایران تأسیس شد، روزنامه های حزبی، هنوز با چنین مشکلی روبرو بودند. هنوز بقایای سانسور رضاخانی به کلمه کارگر ایراد می گرفت.

البته سخن بر سر کلمات نیست، بر سر محتوای آنها است. تا قبل از تشکیل حزب توده ایران و مبارزات درخشان آن در جامعه ایران، کارگران انسان به حساب نمی آمدند. هیچ قانونی از حقوق

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

آنها حمایت نمی کرد ، هیچ سازمان و مؤسسه مدافع این طبقه وجود نداشت . رهبران و اعضای حزب کمونیست ایران و گروه ارانی که مدافعین راستین طبقه کارگر بودند در زندان های رضاخانی به سر می بردند . هیات حاکمه فئودال – سرمایه داری ایران که جنبش کارگری را کوبیده بودند ، می کوشیدند کارگران را تحقیر کنند و شخصیت آنان را بشکنند . اصرار آنها در به کار بردن کلمه عمله به جای کارگر از همین جا سرچشمه می گرفت . در پشت سر کلمه عمله هزار نوع تحقیر و تخفیف خوابیده بود .

صاحبان مؤسسات تولیدی و مقامات دولتی مدافع آنان حق خود می دانستند که با کارگر – عمله – مانند حیوانات رفتار کنند . توهین ، ناسزا و تحقیر نسبت به کارگران امری عادی بود . تنبیه بدنی رواج داشت . فرزندان کارگران به دبستان راه نداشتند ، از بهداشت خبری نبود . دستمزدها به قدری نازل بود که شکم فرزندان کارگر را با نان خالی هم سیر نمی کرد .

البته امروز هم وضع طبقه کارگر ایران درخشان نیست . امروز هم سطح زندگی کارگران به مراتب پایین تر از آن است که باید باشد . ولی قریب چهل سال پیش ، زمانی که حزب توده ایران برای نخستین بار شعار نان برای همه ، فرهنگ برای همه ، بهداشت برای همه را مطرح ساخت اوضاع صدمه بدتر از امروز بود . بسیاری از نمایندگان طبقات حاکم در قبال شعار حزب توده ایران با تعجب

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر
و وحشت می گفتند: " مگر ممکن است! مگر خدا پنج انگشت را به یک اندازه آفریده؟ چگونه
ممکن است نان، فرهنگ، بهداشت برای همه باشد؟ "

مرکز اصلی صنعتی و کارگری آن روز ایران خوزستان بود. در این منطقه بزرگ ترین تعداد کارگران
ایران و عظیم ترین صنعت آن زمان تمرکز می یافت. بزرگ ترین و شدیدترین نوع استثمار حیوانی
از طبقه کارگر و بدترین نوع رفتار تبعیض آمیز و حقارت آور نسبت به این طبقه نیز در خوزستان به
چشم می خورد.

شرکت استعماری نفت انگلیس بر سرتاسر جنوب ایران بطور مستقیم و طبق امتیازنامه، و بر
سرتاسر کشور، بطور غیر مستقیم و به دست حکومت رضاخانی و عمال سرسپرده اش مسلط بود.
در حوزه امتیاز، همه تأسیسات اساسی به شرکت تعلق داشت. تا جایی که واحدهای ارتش ایران در
خوزستان هم مجبور بودند از تلفن خانه شرکت استفاده کنند. تلفن خارج از کنترل شرکت وجود
نداشت. در باره شهادت دریادار بایندر در سوم شهریور ۱۳۲۰ تاکنون بسیار حرف ها زده اند. اما
شاید کمتر کسی بداند که صبح سوم شهریور ۱۳۲۰ بایندر - فرمانده نیروی دریایی ایران - هنوز در
منزل خود بود که از ورود قوای انگلیسی با خبر شد. دست به تلفن برد تا با پادگان تماس بگیرد،
تلفن قطع بود. شرکت نفت انگلیس به فرمانده لشکر اجازه نمی داد که از تلفن خانه شرکت استفاده
کند. بایندر بدون اینکه موفق به تماس با پادگان شود از منزل بیرون آمد و در خیابان کشته شد.

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

در سال ۱۳۲۵ دولت ایران تصمیم گرفت که واحدهایی از نیروی دریایی خرمشهر را به بنادر فارس اعزام دارد. شرکت نفت از دادن مواد سوختی به کشتی های جنگی و ستون اعزامی به فارس امتناع نمود و چند روز اعزام قوا را به تأخیر انداخت و تازه موقعی که کشتی ها آماده حرکت شدند مازور جیکاک - از رؤسای شرکت نفت انگلیس - کشتی ها را دقیقاً بازدید کرد و سپس اجازه حرکت داد.^۱

تمام ادارات دولتی خوزستان زیر نظارت شرکت نفت قرار داشت. از استاندار و فرماندهان لشکر گرفته تا رؤسای ادارات دیگر استان تابع شرکت نفت بودند (شاپور بختیار معروف در آن زمان ها یکی از رؤسای اداره کار استان خوزستان بود).

در آن زمان جامعه خوزستان از طرف شرکت "درجه بندی" می شد. درجه اول عبارت از " سینیورها" بود که همه کارگران و کارمندان اروپایی شرکت در این درجه جا می گرفتند. از میان ایرانیان تعداد انگشت شماری به این درجه راه می یافتند. اگر از افراد جداگانه بگذریم - که احتمالاً شایستگی در مدیریت از خود بروز می دادند - اکثر ایرانیان سینیور از روی درجه عبودیت و بندگی در برابر اجنبی به این مقام می رسیدند. آنان سگان پلید شرکت بودند. هر کار کثیفی را که

۱. روزنامه ظفر، ارگان شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران - ۳ آبان ۱۳۲۵. (در آن سال ها مقامات حساس مدیریت شرکت نفت انگلیس به افسران انگلیسی و مأموران انتلیجنس سرویس سپرده می شد که مازور جیکاک، لورنس لوکهرت، فیلد مارشال سر آلن بروک از این زمره اند.)

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

شرکت نمی خواست به دست کارمندان انگلیسی اش انجام دهد به اینان می سپرد تا به دست خویش به میهن خود خیانت کنند و مستقیماً در برابر هم میهنان خویش قرار گیرند . گفتنی است که سینیورهای ایرانی در جرگه سینیورها هم در مقام پستی قرار داشتند ؛ حقوق کمتر و جای نامناسب تری به آنان داده می شد .

درجه دوم "جونپور" نام داشت . بخشی از کارمندان تحصیل کرده و کارگران فنی و مهندسین و لیسانسیه های ایرانی که زیر فشار اقتصادی اجباراً به آبادان روی می آوردند در این درجه جا می گرفتند . اینان دستمزدی به مراتب کمتر از سینیورها داشتند و پست های کم اهمیتی به آنان داده می شد . ولی به هر صورت نسبت به "عوالم الناس" صاحب درجه و رتبه به حساب می آمدند و به اصطلاح متشخص بودند . از جمع کل کارگران و کارمندان ایرانی در خوزستان که در سال ۱۳۲۵ بیش از ۷۰ هزار نفر بود . ۱۵۰۰ نفر در درجه جونپور قرار می گرفتند .

از سینیور و جونپور که بگذریم . بقیه کارمندان و کارگران شرکت نفت ، خارج از درجه بندی می ماندند . شرکت انگلیسی آنها را لایق آن نمی دانست که درجه بندی کند . با آنان مانند گله رفتار می شد .

این درجه بندی و یا " طبقه بندی جماعات " شکلی است از همان سیاست نژاد پرستانه که امروز در آفریقای جنوبی وجود دارد و آپارتائید یا تفکیک نژادها نامیده میشود . سیاست نژاد پرستان آفریقای

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

جنوبی ، چیزی نیست که خود آنان اختراع کرده باشند . سیاستی است که استعمار انگلیس در همه مستعمراتش – از جمله در خوزستان – داشت و در هر کشوری به شکلی اجراء می کرد .

باری ، جوانانی که سی – چهل سال پیش را ندیده اند و یا به یاد ندارند برای این که وضع آبادان را در آن سالها مجسم کنند می توانند از خبرهایی که امروز از آفریقای جنوبی می رسد بهره گیرند .

در خوزستان و به ویژه در آبادان سیاست درجه بندی و تفکیک نژادها آشکارا اجرا می شد . محله های شهر درجه بندی بود – که هنوز هم متأسفانه این درجه بندی عملاً وجود دارد – بریم ، باوارده، بهمنشیر ، احمد آباد و غیره ... بریم با ویلاهای زیبای خود محل سکونت سینیورها بود . باوارده به جونیورها تعلق داشت و کارگران زحمتکش در حصیر آبادها به سر می بردند.

اتوبوسرانی شهر نیز – که در دست شرکت نفت بود – درجه بندی میشد . اتوبوس های زیبایی که کمر بند قرمز داشت از آن سینیورها بود . اتوبوس های پست تر با کمر بند سفید از آن جونیورها و کارگران فنی بارکش داشتند و کارگران ساده از بارکش هم محروم بودند .

مستر تراست – کنسول انگلیس – برای عبور از کارون به موتوربوت بسیار زیبایی سوار می شد که " طاوس " نام داشت . اعضای انگلیسی شرکت – سینیورها – از قایق های موتوری استفاده می کردند و کارمندان ایرانی از تخته پاره های فرسوده .

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

باشگاه ها نیز درجه بندی بود . هیچ فردی از درجه پایینی حق نداشت وارد باشگاه درجه بالاتر شود . ایرانی ها ، هندی ها و برمه ای ها از هر درجه ای هم که بودند حق نداشتند به باشگاه انگلیسی ها که " جیم خانه " نامیده می شد وارد شوند و با انگلیسی سفید پوست که خود را " صاحب " می نامید ، بیامیزند .

این درجه بندی علاوه بر دلایل دیگر ، به ویژه به قصد شکستن شخصیت انسان ها ، برای تحقیر توده مردم زحمتکش و واداشتن آنان به تسلیم ، انجام می گرفت . هر کارگر و کارمندی که پا به شرکت می گذاشت می بایست بپذیرد که انسانی است از درجه پست تر و اگر دقیق تر بگوییم ، انسان نیست . موجود مفلوکی است که به خاطر یک لقمه نان باید در خدمت " صاحب " باشد و صاحب حق دارد ناسزا بگوید و جز ناسزا نگوید . صاحب حق دارد کتک بزند و سر بشکند .

در سرزمین بد آب و هوای خوزستان ، آنجا که آفتاب چون آهن تفته می سوزاند حتی آب و یخ هم درجه بندی بود، سینیورها از تهویه مطبوع گرفته تا خوشگوارترین آشامیدنی های خنک در اختیار داشتند - که بدون پرداخت عوارض گمرکی وارد می شد - جونیورها تکه یخی به دست می آوردند و توده زحمتکش ده ها هزار نفری کارگران ، یخ را به خواب هم نمی دیدند .

آبادان ، برای معالجه کارمندان انگلیسی و سینیورها درمانگاه بالنسبه مجهزی داشت . تعدادی پزشک اروپایی اختصاصاً برای معالجه سینیورها استخدام شده بودند . بنابه اصل نژادپرستانه آپارتاید

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

هیچ پزشک شرقی (از جمله ایرانی) مجاز نبود بیماران اروپایی را معاینه کند. اینان حاضر بودند بمیرند ولی به ایرانی مراجعه نکنند .

وسایل درمانی جونیورها در سطح نازل تری قرار داشت . پزشک اروپایی در دسترس آن ها نبود و اگر به تخصص پزشک معینی هم نیاز می افتاد از کمک خودداری می کرد . معالجه جونیورها به عهده پزشکان جوان ایرانی و هندی گذاشته می شد .

اگر جونیورها لاقل پزشکی در دسترس داشتند توده دهها هزار نفری خارج از " درجه بندی " از آن هم محروم بودند . کارگران بیمار که در حال مرگ به درمانگاه می آمدند مجبور بودند در صف طولانی بایستند . پزشک جوان و کم تجربه ای مأمور آنان می شد که می بایست در یک روز ۳۰۰ بیمار را ملاقات کند و نسخه بنویسد .

در درمانگاه شرکت نفت انگلیس چیزی که وجود نداشت عاطفه انسانی بود .

در سرتاسر خوزستان بیماری های بومی بیداد می کرد . از هر صد چشم ، ۹۹ چشم تراخمی بود . تقریباً همه کودکان به کچلی مبتلا بودند . بیماری های ناشی از گرسنگی همه گیر بود .

تا ۱۳۲۵ - یعنی طی چهل سال فعالیت شرکت انگلیسی نفت تا آن روز - هیچ قانونی بر مناسبات کارگر و کارفرما حکومت نمی کرد . شرکت انگلیسی نفت آزاد بود که به میل خویش با کارگران و کارمندان ایرانی رفتار کند . نظمی در دستمزدها ، ساعات کار ، مرخصی ، بیمه ، بازنشستگی وجود

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

نداشت. در دی ماه ۱۳۲۰ وقتی شرکت نفت دستمزدها را بنا بر ادعای خود ۳۳/۵ درصد افزایش داد، تازه دستمزد کارگر به ۱۱ ریال رسید. در ۱۳۲۴ کارگر فنی با ۳۵ سال سابقه، ۳۵ ریال مزد می گرفت، یک ریال برای هر سال.

راه ترقی و تکامل به کارگر و کارمند ایرانی بسته بود. شرکت نفت بر خلاف آنچه حتی در امتیازنامه استعماری اش نوشته شده بود کمکی به پرورش کادر ایرانی نمی کرد. انگلیسی ها ترجیح می دادند که مقامات فنی و اداری کوچک را هم به افرادی از ملیت های غیر ایرانی، هندی، برمه ای، آسوری، عراقی و ... واگذار کنند تا با استفاده از اختلافات ملی - که به آن دامن می زدند - راحت تر بچاپند.

در ۱۳۲۰، زمانی که حزب توده ایران تأسیس شد و پا به عرصه نبرد نهاد، یکی از نخستین هدف های حزب طرد شرکت استعماری انگلیسی نفت، آزاد کردن مردم ایران از قید استعمار و به همراه آن تأمین حقوق انسانی کارگران صنایع نفت بود. حزب توده ایران شعار " با هر گونه استعمار ایران مبارزه کنید!" را در سر لوحه فعالیت های خود قرار داده بود و با عمال انگلیس، مانند سید ضیاء و غیره در نخستین سنگر می رزمید. حزب توده ایران در سرتاسر کشور برای متشکل کردن کارگران در صفوف حزب طبقه کارگر می کوشید و به تشکل صنفی کارگران در سندیکاها و اتحادیه های پیکارجو از هر نظر کمک می کرد. با شرکت فعال مبارزین توده ای شورای متحده مرکزی کارگران

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر
و زحمتکشان ایران تأسیس شد که اکثریت قریب به اتفاق کارگران ایران را در صفوف خود متشکل کرد. زیر رهبری حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی، طبقه کارگر ایران، شخصیت انسانی خود را به دست آورد. برای نخستین بار قانون کار در کشور ما تدوین شده و از اردیبهشت ۱۳۲۵ به موقع اجرا درآمد.

فعالیت حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی در مناطق نفت خیز با دشواری های بسیار جدی روبرو بود. از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ بیش از چهار سال، جنگ جهانی ضد فاشیستی ادامه داشت. در این جنگ همه نیروهای ترقی خواه جهان در جبهه ضد هیتلری قرار می گرفتند. پیروزی بر لشگر فاشیسم شرط لازم هر نوع ترقی و تکامل بود و لذا همه ترقی خواهان می بایست همه قوای خود را در این جهت به کار اندازند.

صنایع نفت خوزستان نقش مؤثری در جنگ داشت. این صنایع، در حدودی که در خدمت جنگ ضد فاشیستی بود، می بایست منظمأ و بی وقفه کار کند. در این مورد حزب توده ای ما نیز، که بزرگترین - و میتوان گفت تنها - نیروی ضد فاشیستی جامعه ایران بود، تردیدی نداشت. ولی شرکت نفت انگلیس و دربار پهلوی و دولت های ارتجاعی وابسته به آن از شرایط جنگ نتایج دوربردتری می گرفتند. آنها ادعا می کردند که هر نوع تشکل کارگران صنایع نفت، گویا با شرایط دوران جنگ تناقض دارد. شرکت نفت انگلیس از فعالیت حزب توده ایران و شورای متحده کارگران

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر
در خوزستان جلوگیری می کرد و در این امر به قوانین دولتی استناد می جست . این قوانین و تصویب نامه های هیأت وزیران که بنام حفظ صنایع نفت و تأمین فعالیت بی وقفه آن انجام می گرفت . از فعالیت های سیاسی و صنفی نیز ممانعت می کرد .

در اثر این عوامل حزب توده ایران در وضع بسیار دشواری قرار می گرفت . از یک سو می بایست همه نیروی خود را در جهت تحکیم جبهه ضد فاشیستی بکار اندازد و به عمال خرابکار هیتلری که نفوذ قابل ملاحظه ای در ایران داشتند میدان نهد و از سوی دیگر می بایست روش اصولی خود را در باره متشکل کردن کارگران و زحمتکشان و تقویت جبهه ضد استعماری به شدت دنبال کند .

منطقاً کمترین تناقضی میان این دو حالت مسأله وجود نداشت . اینها دو روی یک سکه بودند . گسترش فعالیت حزب توده ایران در مناطق نفت خیز می توانست هم نیروی خلاقه زحمتکشان را علیه فاشیسم تجهیز کند - همان طور که در سرتاسر ایران کرد - و هم این نیرو را علیه استعمار و در جهت تأمین حقوق صنفی آنان به حرکت آورد . این دو لازم و ملزوم بود .

اما چنان که گفتیم استعمار انگلیس و دولت های دست نشانده آن این دو را مغایر هم می دانستند و از فعالیت علنی حزب توده ایران در مناطق نفت خیز جلوگیری می کردند . در این شرایط چاره ای نبود جز آن که حزب توده ایران در آن مناطق از شیوه های دیگر سازمانی و تا حدودی غیر علنی استفاده کند .

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

بنابر این فعالیت حزب توده ایران در مناطق نفت خیز ، نیز مثل سایر نقاط ایران از نخستین ماه های تأسیس حزب آغاز شد . منتهی بخش بزرگی از این فعالیت از چشم مأموران جاسوس شرکت نفت پنهان ماند . تا جایی که وقتی در سال ۱۳۲۵ - یک سال پس از پایان جنگ - فعالیت حزب علنی تر شد ، مأموران انگلیسی با ناباوری و وحشت با گسترش یک باره صفوف حزب و شورای متحده مرکزی روبرو شدند . نخستین تظاهر فعالیت وسیع حزب ما ، میتینگ و تظاهرات عظیم اول ماه مه ۱۹۴۵ (اردیبهشت ۱۳۲۴) در آبادان بود که در آن ۸۰ هزار نفر شرکت کردند .

الول ساتن ، که سالها در شعبه ایران وزارت اطلاعات انگلستان و بی بی سی کار کرده و در زمان جنگ وابسته مطبوعاتی سفارت انگلیس در تهران بوده در باره این تظاهرات چنین می نویسد :

" از ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) اعضای حزب توده ایران و فعالین سندیکایی ، فعالیت شدیدی را در صنایع نفت آغاز کردند . اما شرکت ترجیح می داد که تابع مواد قانونی باشد که این گونه فعالیت ها را از هر نوعی که باشد قدغن می کرد .

وقتی در اول ماه مه ۱۹۴۵ بیش از ۸۰ هزار کارگر ایرانی برای تظاهرات به خیابان ریختند و از شرکت نفت بهبود وضع مسکن ، افزایش دستمزد ، افزایش سهمیه خواروبار ، بهبود شرایط کار و معیشت را طلب کردند ، شرکت غافل گیر شد . کارمندان شرکت در این نوع کارها کمترین تجربه ای نداشتند . در شرکت هرگز شعبه ای و یا مقامی که وظیفه اش مذاکره با اتحادیه های کارگری

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر
باشد وجود نداشت ، در حالی که اینک اتحادیه های کارگری وجود داشتند و علناً فعالیت می
کردند.^۲

مأموران شرکت نفت و عمال ایرانی آنها که هرگز عادت نکرده بودند کارگران را به عنوان انسان
صاحب حق بنگرند و به حرف آنها گوش دهند ، زمانی که با حرکت جمعی وسیع ، علنی و متشکل
آنان روبرو شدند ، نخستین عکس العملی که نشان دادند عبارت از این بود که این حرکت را " غیر
قانونی " بنامند . مبلغین شرکت نفت و عمال ایرانی آن ها توضیح می دادند که وجود چنین حرکت
وسیعی ممکن نیست حاصل فعالیت یک روزه و دو روزه باشد ، معلوم می شود حزب توده ایران
پنهانی در میان کارگران کار می کرده است . آنان از این توضیح ، این نتیجه را می گرفتند که هر
چه هست زیر سر حزب توده ایران است و " بنابر این " قابل قبول نیست !!

در سال ۱۳۲۶ ، پس از سرکوب وحشیانه نهضت دموکراتیک آذربایجان و کردستان و سرکوب
جنایت کارانه کارگران صنایع نفت ، منحل کردن شورای متحده کارگران خوزستان و دستگیری و
تبعید فعالین سندیکایی در صنایع نفت ، وزارت کار نشریه ویژه ای در باره فعالیت سندیکایی در
خوزستان منتشر کرد . این نشریه که زیر عنوان " شورای متحده ایالتی خوزستان " انتشار یافته

۲ . الول ساتن ، نفت ایران ، چاپ لندن ۱۹۵۵ - ص ۱۷۷ .

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر
یکی از آشکارترین سندهای وابستگی هیات حاکمه آن روز ایران به امپریالیسم و یکی از سندهای افتخار حزب ما است .

اندیشه اصلی این نشریه نیز همان است که الول ساتن می نویسد و آن این که گسترش فعالیت سندیکایی در خوزستان کار یک روز و دو روز نیست . حاصل کار چند ساله حزب توده ایران است .
در مقدمه این نشریه نوشته شده است :

" به وجود آمدن یک اجتماع یا یک اتحادیه خود به خود و ناگهانی صورت نمی گیرد بلکه حوادث و وقایع دنبال هم ، موجب پیدایش فکر تمرکز قوا می شود . یک حزب یا یک اتحادیه ، ناگهانی و مانند قارچ از زمین نمی روید ، بلکه عوامل و اسبابی در به وجود آوردن آن دخالت داشته و پس از آن به وجود آمدن آن و به قول کارگردان های شورای متحده با ترقی جمعیت متحد تأثیر به سزا خواهد داشت .

در خوزستان تشکیلات کوچکی که معلوم نیست از چه موقعی به وجود آمده و به قول کارگردان های شورای مرکزی در حال استتار بوده ناگهان وسیع و بزرگ شد و حصول این وسعت و بزرگی آن قدر غیر منتظره بود که هر شخص بی طرفی قضاوت می کرد که یک دست مرموز !! و قوی در توسعه تشکیلات خوزستان فعالیت می کند ."^۳

۳ . شورای متحده ایالتی خوزستان ، نشریه وزارت کار و تبلیغات ، چاپخانه خودکار ، تاریخ احتمالی نشر خرداد ماه ۱۳۲۶ . (تأکید از ماست).

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

نویسندگان نشریه سپس با استناد به مدارکی که پلیس به هنگام هجوم به کلپ های حزبی به دست آورده و در اختیار وزارت کار !! قرار داده است ، توضیح میدهند که این " دست مرموز " حزب توده ایران است . "وزارت کار شاهنشاهی" که فاصله ای با پلیس درباری و شرکت نفت انگلیس ندارد ، تمام فعالیت سندیکایی کارگران آبادان و سرتاسر خوزستان را زیر علامت سؤال می گذارد و تنها دلیلش این است که توده ای ها به تشکل صنفی کارگران کمک کرده و آن را رهبری کرده اند. خوانندگان در صفحات بعد خواهند خواند که همین " استدلال " از طرف دادگاه نظامی نیز علیه رهبران حزب توده ایران به کار گرفته شد . دادگاه رهبران حزب ما را " به جرم " متشکل کردن کارگران نفت جنوب محاکمه و محکوم کرد !

باری ، مطلب این بود که در زمان جنگ ، فعالیت حزب توده ایران در مناطق نفت خیز بسیار دشوار بود و زمانی که حزب در سرتاسر کشور فعالیت قانونی داشت در خوزستان می بایست شیوه های غیر علنی را پیشه کند . با وجود این دشواری ، حزب توده ایران از حق فعالیت خود در منطقه صرفنظر نکرد . و به رغم سازمان جاسوسی انگلستان که آن روزها شکست ناپذیر معرفی می شد ، سازمان های خود را در سرتاسر خوزستان گسترده بطوری که در نخستین فرصت فعالیت علنی ، حزب و سندیکا یک روزه با قدرت عظیمی به میدان آمد .

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

فعالیت علنی حزب و سندیکاهای کارگری (شورای متحده کارگران) در خوزستان متأسفانه مدت زیادی ادامه نیافت . پس از کشتار ۲۳ تیر ۱۳۲۵ ، در پاییز ۱۳۲۵ هجوم علیه کارگران و زحمتکشان تشدید شد و بالاخره هم زمان با سرکوب نهضت آذربایجان ، جنبش کارگری خوزستان نیز سرکوب شد و از آن روز تا انقلاب بهمن ۵۷ کارگران رزمنده نفت در سخت ترین شرایط غیر علنی فعالیت کردند .

در باره اعتصاب کارگران نفت در تیر ماه ۱۳۲۵ و کشتار کارگران در ۲۳ تیر ماه ۲۵ ، در دفاعیه جمعی رهبران حزب در دادگاه نظامی که در همین جزوه چاپ شده توضیح کافی داده شده است .

تنها چیزی که باید به آن افزود این است که در تابستان ۱۳۲۵ امپریالیست های انگلیسی و آمریکایی با شرکت فعال شرکت نفت انگلیس در سرتاسر جنوب ایران به ویژه فارس ، عشایر و فئودال ها را مسلح و مجهز کرده بودند و می کوشیدند در قبال جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی در آذربایجان و کردستان یک پایگاه ارتجاعی در جنوب به وجود آورند . به این موضوع در دفاعیه رهبران حزبی در جاهای دیگری اشاره شده و لذا در ارتباط با اعتصاب کارگران نفت از تکرار مفصل آن خودداری شده است . ولی خوانندگان ما باید تمام جنبش کارگری سال ۱۳۲۵ و از جمله اعتصاب کارگران نفت را در تیر ماه آن سال در ارتباط مستقیم با مجموعه اوضاع کشور در نظر بگیرند و

حماسه ۲۳ تیر..... ف. م. جوانشیر

توجه کنند که سرکوب خونین این جنبش بخشی بود از نقشه عمومی امپریالیستی برای خفه کردن جنبش دموکراتیک و ملی در سرتاسر ایران .

نکته دیگری که توضیح آن ضروری است این است که جنبش دموکراتیک سال ۱۳۲۵ موقتاً شکست خورد و ده ها هزار نفر کشته و تبعیدی و زندانی به جا گذاشت . اما این جنبش بی ثمر نماند. در تکامل جامعه ایران نقش مؤثری ایفا کرد و از جمله در مورد کارگران ایران و به ویژه کارگران نفت ، این جنبش اثر عمیقی به جا گذاشت . بر اثر نبرد کارگران نفت ضربات سنگینی بر شرکت نفت انگلیس وارد آمد و تغییرات چشم گیری در مناسبات کارگری ایجاد شد . طبقه کارگر ایران به بهای خون ، شخصیت خود را کسب کرد . نظام " طبقه بندی جماعات " زیر ضربات طبقه کارگر از هم گسست ، قانون کار تصویب شد ، دستمزدها افزایش یافت ، ساعات کار کمتر ، مرخصی ها بیشتر شد و سرانجام شرکت استعماری نفت انگلیس گور خود را از کشور ما گم کرد .

چنان که گفتیم امروز ، زندگی کارگران ایران و از جمله کارگران صنایع نفت هنوز از سطح مطلوب بسیار فاصله دارد . اما اشتباه است اگر یک لحظه فراموش کنیم که همین یک لقمه نانی هم که از گلو فرزند کارگران پایین می رود ، همین یک روز تعطیل هفتگی که کارگر می تواند در کنار زن و فرزند خود باشد ، همین تعدادی از کودکان کارگر که به مدرسه می روند و ... - همه و همه این ها به بهای نبرد طولانی طبقه کارگر ، زیر رهبری حزب توده ایران به دست آمده است .

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر
حزب توده ایران را به دلیل این که در مبارزات کارگری و دفاع از حقوق زحمتکشان و نبرد علیه
استعمار در صف نخست بوده بارها به محاکمه کشیده اند . مبارزان توده ای از نسل کارگران نفت ،
دهها سال در زندان ها و تبعیدگاهها به سر برده اند ، علی امیدها امروز در میان ما نیستند ، اما پرچم
پر افتخار نهضت کارگری ایران هم چنان در اهتزاز است و در اهتزاز خواهدبود . " اتهام " ما این
است که حزب طبقه کارگر و مدافع منافع کارگرانیم . ما به این اتهام افتخار می کنیم .

۶ تیر ماه ۱۳۵۹

* * *

متن دفاعیه جمعی رهبران حزب توده ایران در باره وقایع ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ آبادان در دادگاه نظامی

پس از توطئه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ، دربار پهلوی ، جمعی از رهبران و فعالین حزب توده ایران را دستگیر و در دادگاه نظامی محاکمه کرد .

محاکمه رهبران حزب توده ایران از اسفند ۱۳۲۷ تا اول اردیبهشت ۱۳۲۸ ادامه داشت . در این محاکمه حزب توده ایران و رهبران آن به ارتکاب هزار و یک جرم متهم بودند از جمله این که اعتصاب تیرماه ۱۳۲۵ کارگران نفت جنوب را سازمان داده و رهبری کرده اند .^۴

در برابر این " اتهام " رهبران حزب توده ایران ، حقایق را چنان که بود گفتند . ماینک آن بخش از دفاعیه جمعی رهبران حزب توده ایران را که مربوط به حوادث تیرماه ۱۳۲۵ و کشتار ۲۳ تیر آبادان است عیناً چاپ می کنیم . وظیفه بررسی و اعلام این بخش از دفاعیه به عهده رفیق حسین جودت عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران بود . اینک متن دفاعیه :

" رفیق جودت گفت :

۴ . شنیده ایم که برخی از عوامل خرابکار که این روزها لباس " چپ " امریکایی پوشیده اند ادعا کرده اند که گویا حزب توده ایران مخالف این اعتصاب بود و باعث شکست آن شد . ای کاش برچهره این کینه جوین ضد کارگر ، اثری از شرم پدید می شد ، تا معلوم شود که هنوز چیزی از انسانیت در آن ها باقی است .

حماسه ۲۳ تیر..... ف. م. جوانشیر

یکی از موضوعاتی که آقای دادستان در ادعانامه خواسته اند آب و تاب زیاد به آن بدهند اعتصاب آبادان است. آقای دادستان در این قسمت مانند یک مدافع شتاب زده شرکت نفت انگلیس جلوه گری نموده، برای حفظ منافع آن شمشیر به روی کارگران و زحمتکشان ایران آخته و خط منفی بر روی بزرگترین ثروت ارضی ایران عزیز کشیده اند. بسیار جای تأسف است که هیئت حاکمه ما به آن درجه از تدنی و استعمارپرستی رسیده است که در محکمه عالی نظامی، دادستان جرأت دفاع از بزرگ ترین عامل استعمار ایران پیدا می کند. ما مفتخریم که در طرف مقابل دادستان قرار داریم. یعنی در طرف ملت ایران و اینک با اسناد متقن نشان خواهیم داد که آن که باید بر نیمکت محاکمه بنشیند و جواب قانون شکنی ها، غارتگری ها و ملت کشی ها را بدهد، شرکت استعماری نفت انگلیس است نه کارگران و زحمتکشان ایران.

اینک به عنوان مقدمه به ذکر تاریخ مختصری از امتیاز نفت جنوب می پردازیم.

شرکت نفت جنوب

در سال ۱۳۱۹ هجری قمری دولت ایران امتیاز معادن نفت ایران را به استثنای ایالات خراسان و مازندران و آذربایجان و استرآباد، به مدت شصت سال که ابتدای آن هشت صفر ۱۳۱۹ برابر ۲۸ مه ۱۹۰۱ می باسد به ویلیام دارسی واگذار نمود.

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

دولت ایران " اجازه تجسس و استخراج و حاضر کردن برای تجارت و نقل و فروش محصولات گاز طبیعی و نفت و قیر و موم طبیعی را به مدت ۶۰ سال " به داری و اگذار کرد و همچنین حق کشیدن لوله های لازمه را از سرچشمه های معادن تا خلیج فارس و نیز حق ساختن کارخانه و حوض و غیره و آنچه لازمه کار است " بنا کرده داده شد ولی چون " معادن نفت شوشتر و قصر شیرین و دالکی و بندر بوشهر که در آن وقت سالیانه مبلغ دو هزار تومان جمع دیوانی داشت ، متعلق به دیوان بوده ، آنها را نیز دولت به صاحب امتیاز واگذار نمود . به شرط آنکه علاوه بر صدی شانزده که از کلیه عایدات خالص حق دولت است ، صاحب امتیاز همه ساله مبلغ ۲۰۰ تومان هم از بابت معادن مذکوره بپردازد .

در سال ۱۳۲۱ یک کمپانی با سرمایه ۶۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی تأسیس شد . نام این شرکت را " کمپانی استخراجات اولیه " گذاشتند و قرار شد کمپانی ۲۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی سهم و ۲۰۰۰۰۰ لیره نقد به ایران بدهد .

با این نقشه امپریالیسم انگلستان به دستگیری نوکران داخلی یعنی هیئت حاکمه ایران در برابر این مبلغ ناچیز معادن نفت ، دو ثلث وطن را به قبضه خویش درآورد .

بنا به مندرجات روزنامه ایرانشهر " در سال ۱۳۲۷ حوزه عملیات محدود بود به یک میل مربع در میدان نفتون " اما اکنون این حوزه آنقدر وسیع شده است که در ۱۹۴۸ میزان استخراج بالغ بر

حماسه ۲۳ تیر..... ف. م. جوانشیر

۳۲۶۰۰۰۰۰۰ تن بوده است . در این میان شرکت نفت جنوب که در پی به دست گرفتن ابتکار عمل در ایران بود برای انجام هدف های خویش نیازمند به کمک بختیاری ها بود . خوانین بختیاری دولت را مجبور کردند که قراردادی بسته شود که هر کمپانی که در داخل اراضی بختیاری برای استخراج نفت تأسیس می شود صدی ۹ باید به خوانین بختیاری بدهد .

داری و شرکای او برای تسهیل کار خود یعنی برای این که حوزه عملیات خود را از یک میل مربع به مابقی اراضی بختیاری توسعه دهند یک شرکت امدادیه با سرمایه ۴۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی به نام " شرکت نفت بختیاری " تشکیل دادند . بدین ترتیب غیر از ۲۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی که سهام دولت ایران است تمام سهام این دو شرکت در دست کمپانی انگلیسی و ایران قرار گرفت .

کمپانی شروع به کار کرد و قرار شد ۱۶٪ منافع خالص (خرج در رفته) خود را به دولت ایران بدهد . در این هنگام جمع کل اراضی کمپانی برابر با ۵۰۰۰۰۰۰ میل مربع یعنی ۳۳۱۴۰ فرسنگ بود .

برای اولین بار نفتی که از میدان نفتون (مسجد سلیمان) در آمد در یکی از روزهای سال ۱۳۲۶ قمری بوده است . بنا بر آمار منتشره در کتاب " اقتصاد ایران " از جمادی الاول ۱۳۳۰ تا شوال ۱۳۳۱ (آوریل ۱۹۱۲ یعنی ظرف ۱۷ ماه برابر با ۲۲۰۹۵۸ تن نفت استخراج شده و تا اوائل شعبان ۱۳۳۲ (۱۹۱۳) ۷۴۴۰۰۰ لیره انگلیسی نفت به فروش رفته است .

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

طبق مندرجات کتاب اقتصاد ایران و روزنامه کاه در این جا رفته رفته دولت انگلستان برای آن که تمام سهام را خریداری نماید و از طرفی کنترل معادن را تحت نظر داشته باشد و با کشتی های اقیانوس پیمای خود میلیون ها تن نفت به بازارهای جهان گسیل دارد " در مقابل قراردادی کمپانی را مجبور کرد که هر ساله مقدار زیادی نفت به نیروی دریایی انگلیس بدهد. "

به این ترتیب دولت انگلستان بابت شراکت با کمپانی و خرید سهام ، ۲۲۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی پرداخت نمود و سرمایه داران " بریتانیک هوس Britanic House " با پرداخت مبلغ ناچیزی که به قول روزنامه های آن روز " با سهامی که انگلیس ها برای کنترل سوئز خریداری کرده بودند برابر می باشد " کنترل نفت ایران را به دست گرفتند . بعدها در سال ۱۳۲۷ " شرکت نفت انگلیس و ایران " با سرمایه ۲۰۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی تأسیس گردید و در ۲۹ جمادی الاخر ۱۳۳۲ هیئتی به ریاست " ادمون سلیه " که معاون نیروی دریایی انگلیس بود با شرکت نفت قراردادی بست که بر طبق آن شرکت نفت انگلیس و ایران مبدل به شرکت دولتی گردیده و در عوض " دولت انگلیس با سرمایه شرکت که تا آن تاریخ ۱۹۹۹۰۰۰ لیره انگلیسی بوده مبلغ ۲۱۰۰۰۰۰۰ لیره دیگر افزود . بدین ترتیب سرمایه کل معادل با ۴۰۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی شد . "

سیاست شرکت نفت

هنگامی که در باره سیاست شرکت نفت بحث می شود بی اختیار انسان به یاد گفته " لاجوجر " در پارلمان انگلستان می افتد که اظهار داشت :

" ما بدون استثناء بزرگ ترین راهزنان عصر خود هستیم که در کره زمین زندگی می کنند ما از این جهت بدتر از سایر جهانیان هستیم زیرا که علاوه بر آن که دارای صفات مودی و منافق می باشیم . ما هستی دیگران را به یغما می بریم و همیشه آن غارت و چپاول را به خیر و صلاح جهانیان وانمود می نماییم ."

شرکت نفت جنوب از سال ۱۹۰۱ تا کنون که متجاوز از ۴۷ سال می گذرد هر سال میلیون ها تن نفت ما را با تشبثات حریصانه به بازارهای دنیا حمل می کند و همیشه این غارت را به خیر و صلاح ملت ما وانمود می نماید .

سیاست شرکت نفت جنوب مجزا از سیاست امپریالیسم انگلستان نیست . برای آنالیز دقیق این سیاست بی مناسبت نیست به گفته ها و نوشته های سیاسیون انگلستان نظر افکنیم .

ویلیام فوستر که تاریخ کمپانی هند انگلیس را در هشت جلد نوشته است می گوید :

" عمال انگلیسی از چهارصد و پنجاه سال قبل به این طرف از کلیه امور ایران مطلع بودند و گزارش های مفصلی راجع به هر موضوع مرتباً به کمپانی هند می دادند ."

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

با این سند به خوبی میتوان پی برد که انگلستان متجاوز از چهار قرن است که در پی استعمار وطن ما بوده است و اگر نامهٔ سرجان ملکم را به رئیس هیئت مدیره کمپانی شرق هند از مدنظر بگذرانیم که در آن نوشته است :

" کمپانی شرق هند مؤسس سیادت دویست ساله انگلیس در هند می باشد ."

آن وقت به خوبی می توان درک کرد که شرکت نفت جنوب مؤسس فرمانروایی انگلستان در نیم قرن اخیر ایران بوده است .

انگلستان پس از آن که در سال ۱۹۰۱ از حکومت وقت امتیاز را دریافت کرد حتی از پرداخت ۱۶٪ عایدات خالص نیز به عناوین مختلف سرباز زد زیرا دولت انگلستان عایدات خالص را چنین تفسیر می کند که :

باید هرچه خرج یقین است کنار گذاشته شود . هر چه استهلاک ماشین آلات وارده است کنار گذاشته شود . هر چه هزینهٔ زندگی مأمورین انتلیجنس سرویس است کنار گذاشته شود . آن وقت بعد از این همه ، ۸۴٪ کمپانی برد و ۱۶٪ ملت ایران . در کتاب امیر کبیر و ایران از قول لرد کرزن چنین نوشته است :

" ما معاهدات زیاد با ایران منعقد نموده ایم و تعهدات زیادی قبول کرده ایم و حتی پیمان تدافعی با این مملکت بسته ایم ولی موقع انجام تعهدات شانه خالی نموده از انجام آنها روگردان شده ایم و

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

بالاخره هم آن تعهدات را که خود پیشنهاد کرده بودیم با مختصر وجهی خریداری کرده ایم ...

قشون ایران را هم تعلیم نظامی داده ایم و هم با آن جنگیده و آن را شکست داده ایم. " ۵

شرکت نفت جنوب چگونه و با چه فرمول هایی نقشه های خود را انجام می دهد؟

شرکت نفت جنوب در انگلستان برای مناطق مختلف کار خود در ایران مأمورین مخصوص می

پروراند و آنها را کار آزموده و مجرب بار می آورد و هدف معینی برای هر یک از آنها تعیین می کند

تا به هر وسیله که دست داد به سوی آن پیش بروند .

بر خلاف اصول تمامیت و استقلال وطن ما در ناحیه عملیات خود ادارات سیاسی و پلیس اونیفورمه

مسلح و بندرهای رسمی برقرار نموده است . و با آن دسته از مأمورین لشگری و کشوری که از

دست پروردگان چندین ساله حکومت انگلستانند در شئون داخلی و امور کشوری میهن ما همه گونه

تصرفات و مداخلات نامشروع می نمایند . آزادی اقامت و سکونت و مسافرت را از اهالی مناطق نفت

خیز سلب نموده است در حالی که در قانون اساسی ایران صریحاً می گوید:

" هیچیک از ایرانیان را نمی توان نفی بلاد یا منع از اقامت در محلی نمود ... "

شرکت نفت جنوب برای این که میان طبقه کارگر تفرقه اندازد و از اتحاد این طبقه جلوگیری بعمل

آورد تحت فرمول " تجزیه کن و حکومت نما " Divide and Rule کارگران را به دسته

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر
های چند نفری تقسیم و یک " فورمن " (سرکارگر) برای هر یک از این دسته ها معین می کند و بدین ترتیب سعی میکند یک قسم آریستوکراسی کارگری ولی ، غلام حلقه به گوش " صاحب " به وجود آورد و نیز برای اینکه کارگران را همیشه در معرض تهدید به اخراج قرار دهد عدۀ کثیری از اشخاص بیکار را که داوطلب کار هستند مدام در جلو ادارات کارگزینی شرکت جمع می کند .
اینها همه کارگرانی هستند که فریب تبلیغات دامنه دار شرکت نفت را خورده با فروش گلیم پاره های خویش ، از دورترین نقاط به مناطق نفت خیز در جست و جوی کار آمده اند .

محصول شرکت

در ۱۹۱۱ محصول شرکت ۴۰۰۰۰۰ تن بود و شرکت در ۱۹۱۲ پالایشگاه خود را تکمیل کرده و با اضافه کردن معادن جدیدی مانند گچ ساران و پازنان و آغاچاری و نفت سفید هر سال بیش از پیش به محصول خود افزود . به طوری که از مقدار ۴۰۰۰۰۰ تن در سال ۱۹۱۱ به ۲۰۰۰۰۰۰۰ تن در ۱۹۴۷ و ۲۲۶۰۰۰۰۰ تن در ۱۹۴۸ رسید . اینها ارقامی است که خود شرکت آن را تصدیق و منتشر کرده است والا محصول به مراتب بیش از مقدار مزبور می باشد . امتیاز دارسی که در شرایط استبدادی زمان ناصر الدین شاه داده شده بود نه تنها هیچ گاه از طرف ملت مورد قبول واقع نشده بلکه همیشه و هر زمان احساسات ملت کاملاً با این امتیاز استقلال شکنانه و غاصبانه مخالف بود. از این رو در دوره دیکتاتوری که ملت ایران تحت فشار ، روز به روز نسبت به حکومت بدبین تر می

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

شد و دستگاه دیکتاتوری که به وسیله انگلستان حمایت و تقویت می شد و به خاطر تأیید و حفظ منافع انگلستان به روی کار آمده بود در ۱۳۱۲ امتیاز مزبور را با اشاره محافل نفت جنوب لغو و مجدداً به مدت شصت سال تمدید کرد. این تجدید امتیاز و تمدید که در محیط فشار و ترور خفقان آور دوره دیکتاتوری انجام گرفت حتی از طرف وزیر دارایی وقت یعنی آقای تقی زاده هم غاصبانه و ظالمانه بودن آن تأیید و تصدیق شد. آقای تقی زاده در جلسه روز پنجشنبه هفتم بهمن ماه ۱۳۲۷ در باره تجدید امتیاز نفت چنین اظهار داشت :

" اعظم وقایعی که در سی سال اخیر بلکه در یک یا دو قرن اخیر در این مملکت اتفاق افتاد ظهور شخص با اقتداری بود که درجه تسلط و قدرت او بر همه چیز این مملکت و حتی نفوس و اموال و اعمال مردم آن روز به روز تزايد گرفت و عاقبت به جائی رسید که اگر آقایان محترم دور از آن زمان بودند من در یک روز تمام صحبت هم ، قادر بر تصویر کامل آن نمی شدم " . این شخص با اقتدار به زعم آقای تقی زاده بگتتاً مصمم شد امتیاز را فسخ کند و حکم برای این کار داد و واضح است که هم حکم او ، همیشه بدون تخلف و استثناء در یک ساعت اجرا می شد و هم در این مورد - بالخصوص که بسیار و به اعلاء درجه ، خاطرش متغیر بود - احدی را یارای چون و چرا و نصیحت به او نبود ، پس این کار اجرا نشد . اگر چه اتخاذ این طریق به این نحو به عقیده وزرا و رجال خیر خواه ایران در آن زمان صحیح نبود و چنان که بعدها از نتیجه کار دیده شد که یکی از اشتباهات

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر
بزرگ آن مرحوم در مدت مملکت داری وی بود. منظورم این نیست که امتیاز داری بایستی به همان حال بماند ولی ترتیب الغای آن بطور ناگهانی و بی مطالعه باعث بعضی زحماتی شد که این امتیازنامه جدید یا مواد نامطلوب آن محصول آن است.

آقای تقی زاده از مذاکرات پس از لغو امتیاز داری به این نحو نتیجه گرفت:

" در روز آخر کار به ناگهانی صحبت تمدید مدت را به میان آوردند و اصرار ورزیدند و در مقابل هر نوع محاجه و مقاومت از طرف واسطه های ایرانی مذاکرات در منظور خودشان پافشاری و تهدید به قطع مذاکرات و حرکت فوری از ایران کردند و شد آنچه شد یعنی کاری که ما چند نفر مسلوب الاختیار به آن راضی نبودیم."

سپس آقای تقی زاده در تشریح اوضاع آن روز کشور چنین بیان کرد:

" اغلب آقایان شاهد وقایع و وضع آن عهد بودند و حقیقت مسأله عیان است و حاجت به بیان ندارد و می دانند که برای کسی در این مملکت اختیاری نبود و هیچ مقاومتی در برابر اراده حاکم مطلق آن عهد نه مقدور و نه مفید بود " و آقای تقی زاده یکی از بازی گران مؤثر صحنه تجدید امتیاز نفت جنوب و امضاء کننده قرارداد ننگین و غاصبانه تشدید تمدید امتیاز اظهار نمود:

" باید عرض کنم که بنده در این کار اصلاً و ابداً هیچ گونه دخالتی نداشته ام جز آن که امضای من پای آن ورقه است و آن امضاء چه مال من بود و چه من امتناع می کردم و مال کسی دیگر بود و

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

لابد حتماً یکی فوراً امضاء می کرد هیچ نوع تغییری را در آنچه واقع شده و به هر حال می شد موجب نمی شد و امتناع یکی از امضاء ، اگر امتناعی ممکن بود در اصل موضوع ، یعنی انجام آن امر هیچ تأثیری ولو به قدر خردلی نداشت و بنده در این مورد هیچ عرضی ندارم منتهی این است که شاید خود عمل امضاء اضطراری قصور یا تقصیری شمرده شود و من عرض نخواهم کرد که امضاء جعلی است و کسی دیگر امضاء را عوض من گذاشته بلکه هر تقصیری در آن عمل بسیط غیر اختیاری باشد خداوند خواسته بود که این تقصیر فرضی به جای سه نفر دیگر همراهان ما یا وزرای دیگر دامن گیر من شود و من خود شخصاً با اقرار به این که در صورت امکان بهتر بود ولو به فدای نفس هم باشند انسان از این تقصیر فرضی غیر اختیاری دور و بی دخالت در آن بماند فرق زیادی بین امضای قلمی اجباری و امضای با ورقه سفید دادن در مجلس و تصویب اجباری صد نفر اشخاص محترم که وکیل ملت نامیده می شدند نمی بینم و اوضاع وقت با زبان صریح حقیقت را به تاریخ آینده خواهد گفت و فرق بین اختیار و اجبار و اضطرار را ثبت خواهد نمود ."

این گفتار صریح امضاء کننده قرارداد است که به قول آقای دکتر مصدق نماینده دوره چهاردهم مجلس " مادر دهر چون او خائن نژاییده " که اینطور به ملت خود خیانت کرده باشد . آقای تقی زاده در مورد قضاوت تاریخ انتظار بی خودی دارند زیرا ملت ایران خود در این باره قضاوت کرده و عمل تجدید و تمدید امتیاز را خائنه و غاصبانه و استقلال شکنانه دانسته است و هرگز آن را به

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

رسمیت نشناخته و نخواهد شناخت و آنچه مسلم است امتیاز داری در سال ۱۳۱۲ لغو شده و تجدید آن بدون اطلاع و بدون رضایت و دخالت ملت ایران انجام گرفته است .

این بود مختصری راجع به تجدید امتیاز نفت جنوب . اکنون وضع کارگران نفت جنوب را تشریح خواهیم کرد .

در مؤسسات نفت جنوب در حدود یک صد هزار کارگر وجود دارد که هفتاد و دو هزار نفر آن کارگر رسمی و مابقی تحت نظر مقاطعه کاران یعنی در امور ساختمانی کار می کنند .

آقایان قضات تعجب خواهند کرد از اینکه ملاحظه نمایند کارگرانی که میلیون ها تن کشتی

امپراطوری انگلستان را در دریاها و اقیانوس ها قادر به حرکت می سازند . کارگرانی که سوخت

امپراطوری انگلستان و ده ها کشور دیگر را تهیه می نمایند . کارگرانی که غیر مستقیم باعث آبادانی

جزیره انگلستان می شوند خود در جهنم به سر می برند . ابدان آنها در معرض هجوم امراض

مختلف ، تراخم ، سل ، مالاریا و غیره می باشد و مزدشان تا سال ۱۳۲۵ بین ۱۲ و ۱۴ ریال بوده و

بدین جهت قادر به تهیه حداقل مایحتاج زندگی خود نبوده اند . آنها مانند بدویان در چادر و یا زیر

حصیر مسکن دارند و تعجب خواهید کرد با وجود تبلیغاتی که این روزها مطبوعات و انتشارات

شرکت نفت می کنند و اقدامات به اصطلاح اصلاحی خود را به علت سر و صدای اخیر در باره

تمدید امتیاز غاصبانه ۱۳۱۲ به رخ مردم می کشند . فقط عده محدودی قریب به چهار هزار نفر که

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

آنها هم خاصیت و صفت کارگری را از دست داده اند بیش از یکی دو اطاق در اختیار آنان نیست .
بقیه در زاغه هایی که سلول های تنگ و تاریک زندان ، سالن های فراخ و پر نور در مقابل آن به
شمار می رود به سر می برند . رطوبت این زاغه ها آنان را مفلوج و تاریکی دخمه ها قوه بینایی را از
آنان سلب می نماید . حمام آنها رودخانه کارون و لباسشان گونی های پاره پاره است . در سال
۱۳۲۵ که نمایندگان دولت به اتفاق نماینده شورای متحده مرکزی برای رسیدگی به احوال و اوضاع
کارگران نفت جنوب به آن نواحی رفتند کارگران آغاچاری شاکی بودند که برای قریب ده هزار کارگر
که با خانواده و عیال و اطفالشان بالغ بر ۳۰۰۰۰ نفر می شوند حتی یک ماما هم وجود ندارد . آنان
از دستمزد کم ، عدم بهداشت و فقدان مسکن شکایت داشتند . آنان اظهار می نمودند که صاحبان
نفت جنوب حتی احساسات مذهبی و ناموسی و خانوادگی کارگران را در نظر نگرفته و حاضر نشده
اند دیواری به دور کلبه های مقوایی آنان بکشند که لاقل زنان و دختران عریان آنها از انظار
دیگران محفوظ بوده و بتوانند در کلبه خود خواب راحتی نمایند .

آقایان قضات !

این اوضاع و احوال ، این زندگی ، این روزگار صد هزار کارگر نفت جنوب است . این وضعیت را
غارت گران نفت جنوب و امپریالیسم انگلستان در شرایطی ایجاد کرده و در حفظ آن کوشا است که

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر
طبق اظهار خودشان مطابق آمار مربوط به سال ۱۹۴۷ بالغ بر نوزده میلیون لیره سود ویژه داشته و
۱۵ میلیون لیره به عنوان مالیات به دولت انگلستان پرداخته . البته این رقمی است که با توجه به
پس و پیش کردن حسابها و عدم ذکر مقدار حقیقی استخراج نفت ابراز شده است والا ارقام حقیقی
سرگیجه آورتر خواهد بود .

ما سؤال می کنیم آیا این مقدار سود از کجا پیدا شده است ؟ چگونه است این سود کلان و حیرت
انگیز را عمال نفت جنوب تحصیل کرده اند ؟ جز این است که سرمایه و زحمت ایران را به قبضه
خویش در آورده اند؟

جز این است که در مقابل هشت ساعت کار و یا بیشتر مردی ، مطابق و درخور یک ساعت کار
پرداخته اند ؟ این تضییقات ، این چپاول ها ، این جنایت ها است که وادار می کند دهها هزار کارگر
به خشم آیند . و برای حفظ حقوق خود به مشروع ترین وسیله ای که در قوانین کار قید شده یعنی
اعتصاب توسل جویند .

این اعمال جابرانه امپریالیسم انگلستان بود که کارگران را به تظاهر و اعتراض وادار می ساخت ،
ولی زحمتکشان نفت جنوب نمی دانستند که مطالبه حقوق فوت شده ، مطالبه حق مشروع و قانونی
و تقاضای تأمین ابتدایی ترین حوایج زندگی نه تنها مسموع نیست بلکه ارتکاب جنایت شناخته می
شود . ادعای نامتنظیم می کنند و برای حفظ منافع جناح مهاجم - جناح غارت گر جناح اجنبی

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

منفعت پرست و استعمارگر یعنی امپریالیسم انگلستان اداره کننده حقیقی نفت جنوب ، دادستان وادار می شود که آنان را مجرم و جانی به شمار آورده و تقاضای مجازات بنماید . این است ملت خواهی ! این است طرز دفاع از حقوق صد هزار کارگر نفت جنوب ، صد هزار زحمتکش ایرانی ! این است مفهوم وطن پرستی به زعم دستگاه حاکمه ایران !

(۱) در اوایل کار شرکت ، اغلب کارگران فنی شرکت نفت از ساکنین نواحی آفریقای جنوبی و هندی ها بودند و کارگران ایرانی با دستمزد روزی نیم روپیه (معادل یک ریال و نیم آن روز) صرفاً به کارهای ساده و غیر فنی اشتغال داشتند . در سال ۱۹۲۰ کلیه کارگران شرکت نفت اعم هندی ها و کارگران ایرانی اعتصاب کردند . تقاضای آن ها اضافه حقوق به مأخذ صد در صد بود . البته لازم به ذکر نیست که این اعتصاب از طرف کارگران هندی شروع و نسبت به کارگران آفریقای جنوبی و ایرانی هم تعمیم و توسعه یافته است ولی در نتیجه آن اعتصاب ، دولت انگلستان ، قشون وارد کرد و عده ای از کارگران هندی و آفریقایی را دستگیر و از ایران خارج نمود و معلوم نیست آن کارگران به چه سرنوشتی دچار شدند . اما کارگرانی که باقی ماندند از آن اعتصاب نتیجه گرفتند و ۷۵ درصد بر مزد آنها افزوده شد . آیا در تاریخ ۱۹۲۰ یعنی درست در ۲۹ سال پیش هم حزب توده بوده و یا شورای متحده کارگران وجود داشت که هر یک با تبلیغات خود کارگران را وادار به اعتصاب نمایند . البته جواب این سؤال منفی است و در آن تاریخ حزب توده ایران وجود نداشت و صرفاً فشار

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

کارفرمایان نفت یعنی فشار و سختی فوق العاده معیشت و بدی شرایط زندگی ، موجب آن اعتصاب گردید .

۲) در سال ۱۹۲۱ یعنی درست ۲۸ سال قبل ، دومین اعتصاب صرفاً از طرف کارگران ایرانی به عمل آمد و تقاضای آن ها اضافه نمودن دستمزد بود . این اعتصاب بدون دخالت قوای نظامی و قبول نمودن شرکت به این که صدی چهل و پنج بر مزد آنان بیفزاید خاتمه یافت.

۳) مهم ترین اعتصاب کارگران شرکت نفت در دوره بیست ساله در سال ۱۹۲۹ میلادی که مطابق با سال ۱۳۰۸ شمسی بود به عمل آمد . در این اعتصاب کلیه کارگران شرکت نفت اعم از ایرانی و هندی شرکت داشتند تقاضای اعتصابیون اضافه نمودن دستمزد ، تهیه مسکن و منزل و مرخصی سالیانه و پاره ای از این قبیل مسائل بوده است . در همان تاریخ معاون وزارت دادگستری وقت با هیأتی به خوزستان اعزام شدند . در حدود ۲۰ نفر از اعتصابیون را توقیف و به زندان خرم آباد بردند . پس از مدت ها زندانی بودن عده ای از آن ها را مرخص کردند و تعهد گرفتند که آن اشخاص به خوزستان و فارس مسافرت نکنند و چند نفر از آن ها را به زندان قصر بردند و بدون هیچ محاکمه و حتی بازجوئی در زندان نگهداشتند تا شهریور ۱۳۲۰ که پس از مرخص شدن محبوسین سیاسی ، این اشخاص نیز آزاد گردیدند .

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

بلی آقایان دادرسان ! صدها نفر ایرانی به میل و اراده کارفرمایان شرکت نفت پس از دو سال و سه سال زندانی بودن ، ممنوع از مسافرت به قسمت مهمی از آب و خاک این کشور می گردند و چند تن نیز متجاوز از دوازده سال در سیه چال زندان به سر می برند . در عوض دولت انگلستان و سایر سهام داران انگلیس در اثر داشتن معادن کشورهای تسخیر کرده ، بر قلمرو خویش می افزاید .

۴) در اثر اختناق شدیدی که بعد از اعتصاب ۱۳۰۸ شمسی نسبت به کارگران به عمل آمد تا سال ۱۳۲۵ فقط چند فقره اعتصابات کوچک و بی اهمیّت و کم نتیجه از طرف کارگران به وقوع پیوست و اعتصابی که بعد از ۱۳۰۸ شمسی قابل ذکر است اعتصاب اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ کارگران آغاچاری است که در حدود ده هزار نفر کارگران و کارمندان شرکت نفت در ناحیه آغاچاری در آن اعتصاب شرکت کردند . این اعتصاب مدت ۱۲ روز ادامه داشت و کمیسیون مخصوصی از طرف نخست وزیر و وزارت دادگستری و وزارت پیشه و هنر به معیت نمایندگان شورای متحده مرکزی برای رسیدگی به تقاضای اعتصاب کنندگان اعزام شدند .

این کمیسیون گزارشی تهیه نمود و تقاضای کارگران را تأیید کرد . بیم آن می رفت که اعتصاب به تمام مؤسسات شرکت نفت یعنی در آبادان و مسجد سلیمان و سایر نقاط نیز سرایت کند . نمایندگان شورای متحده مرکزی از توسعه اعتصاب جلوگیری نمودند . تا اینکه در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ، قانون کار که یکی از تقاضاهای کارگران بود به صورت تصویب نامه از طرف دولت تصویب گردید .

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

کمیسیون اعزامی از طرف دولت ، شرکت را محکوم به پرداخت حقوق ۱۳ روزه ایام اعتصاب کارگران نمود . تقاضاهای کارگران که منتهی به اعتصاب اردیبهشت گردید عبارت بود از :

۱- اضافه مزد به میزان صد در صد .

۲- تقاضای ساختن خانه .

۳- تقاضای تهیه خواربار و آب و یخ از طرف کمپانی .

۴- تقاضای دکتر و دوا و قابله .

۵- تقاضای مزد روز جمعه .

شرکت نفت کتباً تقاضاهای اولیه را قبول نمود و راجع به مزد روز جمعه تعهد کرد به محض آن که قانون کار تصویب شود ، آن را خواهد پرداخت .

ممکن است به نظر عجیب آید که ده ها هزار کارگر تقاضای اضافه مزد به میزان صد در صد نمایند و شرکت نفت هم قبول کند و یا این که آن گروه انبوه تقاضای مسکن و مأوا از کارفرمایان نمایند . برای اینکه این موضوع خوب روشن شود ناچار توجه آقایان قضات را به سطح زندگی در سنوات اخیر جلب می نمائیم . همه آقایان حاضر ، به قیمت اجناس و مظنه خواربار آشنا هستند . اگر ده عدد سیگار اشنو در بازار تهران ۴ ریال قابل خریداری بود در نواحی خوزستان کمتر از ۵ ریال و

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر
شش ریال به دست نمی آید. در تمام منطقه خوزستان مخصوصاً نواحی نفت خیز که در بدترین
نقاط خوزستان قرار گرفته و از بد آب و هوا ترین نواحی این کشور است، سطح زندگی حداقل به
میزان صد در صد بالاتر از تهران است. کسانی که به خوزستان رفته اند از این موضوع اطلاع کامل
دارند.

ناحیه آغاچاری یک ناحیه کوهستانی و دور از تمام شهرستان ها است. آب مشروب آن از هشت
فرسنگی تهیه می شود. ده هزار نفر کارگر در آن هوای گرم و کشنده، نه آب دارند و نه یخ، و نه
برق و نه طبیب و حتی سایه بان مختصر هم ندارند. مانند کرم در حفره های زیرزمینی که با دست
خود حفر می نمایند زندگی می کنند. حالا قطعاً انتظار دارید که مزد این افراد اقلأ در حدود روزی
صد ریال باشد ولی قبل از اعتصاب اردیبهشت دستمزد کارگران روزی ۱۲ الی ۱۴ ریال بود. آیا
لازم است گفته شود که این حقوق، آن هم در هوای کشنده برای قوت لایموت کافی نبود. در
اعتصاب آغاچاری و اعتصاب بعدی، کارگران خواهان اجرای ماده ۱۷ امتیازنامه شرکت نفت بوده
اند که چنین است:

ماده ۱۷: کمپانی تشکیلات و مخارج تأسیسات و اداره وسایل صحی و صحت را مطابق جدیدترین
طریقه حفظ الصحه معموله در ایران در تمام اراضی و ابنیه و مساکن اعضاء و عمله جات خود که در
حوزه امتیازیه کار می کنند به عهده می گیرد.

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر
کارگران علاوه بر تأمین حقوق و دستمزد خود، به استناد این ماده، درخواست مسکن و مأوا و رعایت اصول بهداشت را می خواهند.

همچنان که درباره نتایج اعتصاب آغاچاری گفته شد یکی از تقاضاهای کارگران آغاچاری دریافت دستمزد روز جمعه بود و کارفرمایان این تقاضا را موکول به تصویب قانون کار نمودند. قانون کار هم در ۲۸ اردیبهشت به صورت تصویب نامه ابلاغ گردید و موضوع حقوق روز جمعه و لزوم پرداخت آن ضمن ماده ۶ تصریح گردید. اینک ماده ۶ قانون کار را نقل می کنیم:

(ماده ۶: هر کارگر در هفته حق یک روز راحتی (جمعه) را دارد. چنانچه به علل فنی کار طوری باشد که کارگر در روز جمعه هم کار کند، کارفرما مؤظف است که یک روز دیگر در هفته را به جای جمعه به کارگر راحتی بدهد.)

اما اعتصاب ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ که در این کیفرخواست ذکر شده:

در ساعت ۶ صبح ۲۳ تیرماه در سرتاسر نواحی نفت خیز خوزستان در آبادان و مسجد سلیمان و آغاچاری و دارخوین و کوت عبدالله و هفت کل و اهواز و بندر معشور و گچساران، کلیه کارگران و کارمندان شرکت اعم از ایرانی و هندی، از زن و مرد دست به اعتصاب زدند. چنانچه قبلاً اشاره شد. در نتیجه اعتصاب آغاچاری حداقل مزد کارگران از ۱۲ ریال و ۱۴ ریال به ۳۰ و ۳۵ ریال

حماسه ۲۳ تیر..... ف. م. جوانشیر

تبدیل یافت . دادن دستمزد روز جمعه موکول به تصویب قانون کار گردید . قانون کار در تاریخ ۲۸ اردیبهشت تصویب شد . ماده ۶ قانون نامبرده اجرا نگردید . روزهای گرم خرداد ماه خوزستان متعاقب هم سپری می شد . ده ها هزار کارگر معادن نفت ، اجرای ماده ۶ را می خواستند و همه به شورای متحده فشار می آوردند . تا این که بالاخره در روز ۱۳ تیر ماه ، کارگران یکی از کارگاه های بزرگ آبادان اعتصاب کردند . از طرف شورای متحده خوزستان مأموریتی برای اقناع کارگران و دعوت آن ها به آرامش فرستاده شد و اعتصاب ۱۳ تیرماه با استمهال ۹ روز خاتمه یافت .

بدواً مدیران شرکت گفتند که باید از لندن اجازه بگیریم . بعداً موکول به دستور تهران نمودند و در روزهای آخر به عنوان این که اگر حقوق ایام جمعه را پردازیم در سال چندین میلیون لیره به کمپانی خسارت میرسد از اجرای ماده ۶ تصویب نامه صریحاً امتناع نمودند .

از روز ۱۳ تیر تا ۲۳ تیر ۹ ، روز فاصله بود در این مدت کارگران تمام نواحی نفت خیز منتظر اعلام قبولی تأدیة دستمزد جمعه بودند و همه مصمم شدند که چنانچه تا غروب ۲۲ تیر ماه کارفرمایان شرکت نفت قبولی تقاضا را اعلام نکنند در تمام نواحی مختلف تمام کارگران و کارمندان از هر ملت که باشند دست از کاربکشند تا حق قانونی خود را بگیرند .

شرکت نفت علاوه بر هفتار هزار نفر کارگر ، دارای ۸ هزار کارمند ایرانی یعنی استخدام حکمی میباشد . کارمندان شرکت نفت همان افراد و عناصری هستند که تحت مراقبت شدید مأمورین

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر
انتلیجنس سرویس انگلستان ، دستگاه های اداری و فرهنگی و بهداری و فنی و حسابداری شرکت
نفت را اداره می کنند و اغلب آنها دارای عالی ترین تحصیلات از داخله کشور و خارجه ، مخصوصاً
مدارس فنی فرانسه و انگلستان می باشند .

در ساعت ده صبح ۲۳ تیر ، این هشت هزار کارمند نیز بعنوان همکاری با کارگران در سرتاسر
خوزستان اعتصاب کردند و علاوه از ۸ هزار کارمند ، چندین هزار نفر کارگران و کارمندان هندی که
عده زیادی از آنها نیز دارای تحصیلات عالی بوده اند در اعتصاب شرکت کردند .

آیا شایسته است ما تصور کنیم که تمام ۷۰ هزار نفر کارگران نفت جنوب و ۸ هزار نفر کارمندان
تحصیل کرده و چندین هزار نفر هندی در اثر تلقینات بی پایه به یکی از مرتب ترین و با نظم ترین
و دامنه دارترین اعتصاب ها دست زده اند . علت بروز اعتصاب ۲۳ تیر ماه را ذکر کردیم . این
اعتصاب منجر به حوادث ، خونین شده است ولی این حوادث خونین به دست عمال شرکت نفت
انجام یافته و مأمورین تعقیب در اثر موانعی که برای آنها ایجاد شده موفق نشدند که مسئولین
واقعی امر را تعقیب کنند . مثلاً آقای سرگرد آریایی نژاد بازپرس اولیه قضیه ، مازور جیکاک رئیس
اداره سرکشی به نواحی نفت خیز را که تحت این عنوان ساختگی در سرتاسر خوزستان و نواحی
ایل نشین و ایرانیان عرب زبان دائماً در حرکت بوده است احضار نمود . نه تنها آقای جیکاک در نزد
بازپرس حاضر نشد بلکه در اثر مراجعه مشارالیه به مرکز ، سرگرد آریایی نژاد تغییر یافت و سرکار

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

ناخدا بخشایشی به سمت بازپرس انتخاب گردید و برای اینکه سرکار ناخدا بخشایشی رویه سرگرد آریایی نژاد را تعقیب نکند و به احضار ماژور جیکاک یا کلنل اندرود یا ماژور فولر اقدام ننماید ، نامه ای به شماره مورخ ۲۵/۵/۱۵ که عکس آن در روزنامه های مرکز منجمله د ر روزنامه ظفر گراور شده صادر شده که اینک متن آن نامه :

" سرکار ناخدا بخشایش - چون درک می شود که نظریات خصوصی و افکار شخصی در امور دادگاه مداخله دارد بازداشت هر یکی از اتباع ایران که به نظر مظنون می رسد مانعی نیست ، ولی اگر نظری نسبت به اتباع خارجی باشد بدون کوچکترین تظاهر و اقدامی مراتب قطعاً گزارش و کسب تکلیف شود . چون این قبیل جریانات بستگی بسیار نزدیکی به امنیت کشور دارد . فرمانده لشکر ۱۰ خوزستان سرهنگ حجازی ."

آقایان دادرسان اولاً به مندرجات نامه دقت فرمودید . نظریات خصوصی و افکار شخصی که در امور دادگاه جریان داشته چه بوده که موجب تغییر سرگرد آریایی نژاد و تحت تأثیر قرار دادن مأمورین قضایی گردیده ؟ جز اینکه آریایی نژاد از نظر محتویات پرونده ، تحقیق و بازجویی از مأمورین شرکت نفت را لازم دانسته و ماژور جیکاک را احضار کرده است ؟

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

ماژور جیکاک کیست ؟ ماژور جیکاک در موقع جنگ از افسران ارتش انگلیسی بوده است . ماژور جیکاک در تمام مدت جنگ رابطه بین ایرانیان عرب زبان و عشایر و ستاد ارتش انگلیس و عنوان رسمی او نیز در آن تاریخ (فیلد سکیوریتی افسر) یعنی افسر حافظ امنیت منطقه بوده است .

جنگ تمام شد . فیلد مارشال سرآلن بروک رئیس ستاد ارتش بریتانیا ، رئیس هیئت مدیره شرکت نفت شد . و ماژور جیکاک نیز تغییر لباس داده و به سمت مأموریت سرکشی به نواحی نفت خیز خوزستان تعیین گردید . اگر خوب دقت کنیم بازی گران ، همان بازی گران زمان جنگ هستند و بازی همان بازی . فقط پهلوان های صحنه تغییر لباس داده ، عنوان مارشالی از سر آلن بروک حذف و ماژور جیکاک به مستر جیکاک تبدیل گردید .

آقایان دادرسان طبق اسناد و مدارک مسلم و موجوده در پروندهٔ اعتصاب خوزستان این نقشه شوم و این توطئه زشت یعنی آدم کشی و غارت صرفاً به دست مأمورین انگلیسی و برای بد نام کردن کارگران که گناهی جز تقاضای احقاق حق نداشته اند انجام یافته است .

و این آقایان حتی مایل بودند و تصمیم داشتند یک خرابکاری مختصری هم در پالایشگاه بنمایند تا همان را وسیله و دستاویز قرار داده به مداخلات نامشروع که مخالف با حاکمیت و استقلال کشور عزیز ما ایران است مبادرت نمایند . این مطلب ممکن است موجب تعجب هیأت دادرسان گردد ولی این امر بی سابقه نیست . اسناد رسمی مثبت این موضوع است . در کتاب سفرنامهٔ خوزستان که به

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

شاه سابق نسبت داده شده و به علی که از ذکر آنها خودداری می کنیم از انتشار آن جلوگیری نمودند . متن تلگرافات رمز مأمورین سیاسی دولت انگلیس عیناً به صورت گراور به طبع رسانده شده است .

در تلگراف رمز شماره ۱۱۶ بیستم ژوئن ۱۹۲۳ آقای کاپیتان پیل کنسول اهواز به مأمور سیاسی دولت انگلیس در بوشهر می نگارد :

" در تلگراف دوم شما چنین اظهار عقیده کرده اید که یک باتالیون در اهواز و یک باتالیون در میدان نفتون کافی است در صورتی که بختیاری ها و اعراب نیز به ما کمک نمایند . اما من معتقدم که در مواقع سخت ما با قوای معتنا بهی از اعراب سرو کار خواهیم داشت . به این لحاظ من طرفدار این عقیده هستم که بایستی ذخیره کافی از اسلحه و مهمات و وجوه به رؤسای قبایل موافق خود بدهیم تا به اعمال قوای هوایی که ارکان حرب عراق می تواند در اختیار ما بگذارد و از محدودیت آن نیز مطلعیم محتاج نشویم .

اگر ادله من صحیح باشد در نتیجه لازم ، بلکه حیاتی به نظر می رسد که معادل پنج الی ده هزار تفنگ و مقدار معتنا بهی مهمات در بصره ذخیره نمائیم تا در موقع ظهور حوادث مهمه به اختیار شیخ محمره گذارده شود .

به نظر من اکنون پنج هزار تفنگ کافی است .

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

در حدود ۳۰ سند رسمی که هر سند از سند دیگر ناطق تر و صریح تر است در کتاب " سفرنامه خوزستان " عیناً گراور شده است و یک یک آن ها ثابت می کند که چگونه مأمورین سیاسی انگلیس می خواستند در معادن نفت خرابکاری کنند و بدان بهانه قشون وارد نمایند .

طبق اسناد رسمی که گفته شد " رویه و طریقه سیاسی مأمورین دولت انگلیس در ایران به بهانه حفظ معادن نفت در گذشته معلوم شد پس از شهریور ۱۳۲۰ که قشون دولت انگلیس سرزمین زرخیز خوزستان را اشغال نمود و سرتاسر خوزستان در تحت استیلا و قدرت کامل آنان قرار گرفت . کارگران شرکت نفت که معتقد به لزوم کمک به متفقین برای حفظ آزادی و دموکراسی جهان بودند هرگونه فشار و شکنجه ای را متحمل و حرفی نمی زدند تا جنگ خاتمه یابد .

تقریباً اوایل بهار ۱۳۲۶ خوزستان ظاهراً از مأمورین نظامی تخلیه شد ولی آنتریگ و تحریکات سیاسی و ایجاد دسته های مسلح به نام اتحادیه های عشایر جانشین سرنیزه گردید . مسلح بودن عشایر امری است مسلم و پرونده های اعتصاب خوزستان پر از اسنادی است که آن را تأیید می کنند . مثلاً در نامه شماره ۹۰ مورخه ۱۳۲۵/۴/۳ شهربانی خرمشهر به شهربانی آبادان تصریح شده است که :

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

" ساعت ده روز قبل عده زیادی از عشایر در حدود هفت هزار نفر با پرچم های رنگارنگ مربوط به طوایف مختلف که کلمه نصر من الله و علامت شمشیر با شیرو خورشید داشت در خرمشهر نمایش دادند و به عربی فریاد می کردند : " آنچه می خواستیم خدا به ما داد " .

این تظاهرات برای چه بود ؟ هفت هزار نفر به نام عشایر آن هم مسلح ، معلوم است تا چه حد امنیت آن منطقه را تهدید می کرد . مهم تر از این گزارش ، بیانات سرگرد فاتح فرماندار نظامی وقت می باشد که در سیزدهمین جلسه دادگاه جنایی رسیدگی به اعتصاب خوزستان صریحاً اظهار داشته است :

" فرضیه دیگر یعنی احتمال قوی این بود که دستجات مسلحی به آبادان ، هنگام اعتصاب هجوم آورند ، و بدین ترتیب آبادان را مرکز شورش و انقلاب قرار دهند . این احتمال و فرضیه متکی به اطلاعاتی قطعی لشکر متبوعه به اطلاعات وزارت جنگ بود که به این بنده قبل از وقوع حوادث آبادان واصل شده است . بنابراین به هیچ عنوان آن اطلاعاتی را این بنده نمی توانست با تردید مورد توجه قرار دهد . این که دوستان محترم آن اظهار اطلاع را دروغ محض تلقی فرموده اند صحیح نیست زیرا گذشته از این که این بنده استدعا دارم آن اطلاعات را از لشکر اهواز و سوابق پادگان آبادان بخواهند و مورد بررسی قرار دهند برای مزید اطلاع به عرض می رساند مدت کوتاهی شاید کم تر از سه ماه قبل از وقوع حوادث آبادان ، خرمشهر از طرف شیخ عبدالله نامی از پسران شیخ

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

خزعل در نقطه ای به اسم خزعلیه مورد تهاجم قرار گرفت . خزعلیه که در تیررس خرمشهر است عده ای مهاجم آن را اشغال نمودند لشگر اهواز ناچار شد وسایل سنگینی از قبیل توپ ۱۰۵ کوتاه برعلیه آن عوامل و عناصر به کار برد و فرماندهی و معاونت لشگر وقت آنجا ناچار بوده است تمام منطقه خرمشهر و آبادان را با سربازان موجوده حفاظت نماید . "

سرگرد فاتح بیانات خود را مستند به اطلاعات رسمی لشگر ۱۰ و وزارت جنگ نموده است و با صراحت بیانات او دیگر جای تردیدی در باره توطئه ای که برضد تشکیلات کارگران و در عین حال تمامیت و استقلال کشور تهیه شده بود باقی نمی ماند . فرماندار نظامی آبادان و فرمانده پادگان آبادان و خرمشهر صریحاً اظهار داشته است سه ماه قبل از وقایع آبادان شیخ عبدالله پسر شیخ خزعل ، خزعلیه را با عده ای مسلح اشغال نموده .

شهربانی خرمشهر گزارش می دهد که در دوم تیرماه یعنی ۲۰ روز قبل از وقایع ، هفت هزار نفر با پرچم های رنگارنگ در خرمشهر تظاهرات نموده و نغمه های مخالف آغاز کرده اند . مقارن همان ایام شیخ عبدالله با چند نفر خائن دیگر به اتحادیه اعراب خاورمیانه مراجعه کرده و از تعدیات دولت ایران شکایت و ایالت خوزستان را که جزء لاینفک این کشور است ناحیه عرب نشین معرفی نموده و درخواست تجزیه خوزستان و الحاق آن به اتحادیه اعراب کرده است . کار به جایی رسید که شیخ جاسب فرزند دیگر شیخ خزعل بر ضد عملیات برادر خود تلگرافی به دولت ایران و تلگراف ذیل را به

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر
جمع ملل عرب به قاهره به عنوان عزام پاشا دبیر اتحادیه اعراب به زبان عربی مخابره نمود و
رونوشت آن را برای استحضار دولت ایران به تهران فرستاد. اینک ترجمه قسمتی از تلگراف مزبور ()
قاهره توسط جناب آقای عزام پاشا دبیر گنجره عربی کپیه جناب آقای نخست وزیر . کپیه مجلس
عوام و چندین کپیه دیگر .

لازم است تذکر داده شود که هیچ یک از زعمای خوزستان حاضر نیستند به میهن خود خیانت کنند
این دو نفری که به شما مراجعه کرده اند به پدرشان و میهنشان خیانت کرده اند و خیانت پیشه می
باشند . این که مدعی هستند که از طرف عشایر خوزستان سمت نمایندگی دارند ادعایی دروغ و
خلاف واقع است . نامه هایی که در دست این دو خیانت پیشه است یا قبلاً فرستاده شده ، جعلی
است .)

پس از انتشار این تلگراف در جراید ، شیخ زهرا و لیدر اتحادیه قلابی عشایر و حاج علی فیصلی و
عبدالکاسم فیصلی بلافاصله در صدد برآمدند که تلگرافی از شیوخ اعراب بر رد تلگراف شیخ جاسب
به عنوان اتحادیه اعراب تهیه و مخابره نمایند و برای انجام این منظور همین افراد خیانت کار و عدّه
دیگر در عراق جلسه تشکیل داده و سید باقر نام نراری را با پرونده ای که صورت جلسه و
تصمیمات متخذه در آن بود به خرمشهر فرستادند تا اقدام به جلب شیوخ اعراب نمایند . این شخص
به محض ورود به شهر از طرف مأمورین حکومت نظامی دستگیر می شود ولی سپس آزاد می گردد

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

و متأسفانه اسنادی که مثبت خیانت آنان بود از دست می رود. با در نظر گرفتن این حوادث روشن می شود که کارفرمایان شرکت نفت بدواً خودشان شیخ عبدالله را با عده ای اعراب مشکوک الهویه به زور وارد خاک ایران کنند، سپس به تحریک قبایل و دادن پول و اسلحه به افراد خائن و پست دست زدند و بالتیجه حوادث خونین ۲۳ تیر را ایجاد کردند. در فرمانداری غیر نظامی آبادان پرونده ای موجود است که حاکی است که دوبه ای اسلحه به قاچاق برای تحویل به عشایر از طریق حفار بریم که محل بارانداز دوبه های شرکت نفت است وارد آبادان می شود. فرماندار غیر نظامی به پاسیار لئالی رئیس شهربانی آبادان مراجعه می کند و درخواست بازرسی و ضبط اسلحه را می نماید معذالک با این که شماره دوبه هم تعیین شده بود جریانی پیش آمد که رئیس شهربانی موفق نگردید که صندوق های مملو از تفنگ و فشنگ را ضبط نماید و حاملین اسلحه را توقیف کند. اکنون ببینیم چرا شرکت نفت در روز سیزده تیرماه برای جواب رد یا قبول پرداخت دستمزد روز جمعه، ۹ روز استمهال کرد. در صورتی که هم از نظریات هیأت مدیره اطلاع داشت و هم وسایل مخابراتی سریع در اختیار او بود. برای کسب نظر لندن یا تهران بیش از یک روز وقت لازم نداشت و از طرفی هم یقین داشت که پس از انقضای مدت مقرر اعتصاب عملی خواهد شد. بنابراین طوری نقشه کشید که روز اول اعتصاب مصادف با روز ۱۵ شعبان تولد حضرت حجت باشد. و از طرفی دیگر مقدمات تشکیل اتحادیه عشایر " حزب کشاورز " را تهیه کرده و در روز میلاد حضرت

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

حجت ، مجلس جشنی هم به عنوان تولد و هم به مناسبت افتتاح کلوپ عشایر تشکیل داده و بادیه نشینان و طوایف مختلف اعراب را از قصبه شادگان و جزیره حاجی سلبوخ و غیره به آبادان آورده و در ضمن با تحریک احساسات مذهبی و تبلیغات سوء علیه کارگران ، نائره شورش و بلوا را مشتعل سازد و عده ای کارگر را در خاک و خون بغلطاند . و به دست همان اعراب خرابکاری مختصری هم در پالایشگاه انجام دهد . مجموع این مقدمات را بهانه و دستاویز مداخلات نامشروع خود نماید . به همین مناسبت افتتاح کلوپ عشایر در روز ۱۵ شعبان (۲۴ تیر ۹) اعلان و آگهی شد و یک مرتبه کارفرمایان شرکت نفت متوجه شدند که در تطبیق تاریخ شمسی یا قمری اشتباه کرده و آخرین روز مهلت ۲۲ تیرماه یعنی ۱۳ شعبان خواهد بود و اعتصاب در روز ۲۳ تیرماه یعنی ۱۴ شعبان واقع خواهد شد و افتتاح کلوپ عشایر و جشن در روز ۱۵ شعبان ، روز افتتاح کلوپ عشایر را تغییر دادند . از همین نظر بین شیخ زهرا و شیخ حداد و سایر شیوخ اعراب اختلاف حاصل شد ولی نظر شیخ حداد که اداره کننده امور مالی و رابط مستقیم با شرکت نفت بود بر عقیده سایرین غلبه کرد و بالاخره تصمیم بر افتتاح کلوپ عشایر و انعقاد مجلس جشن به روز ۲۳ تیرماه گرفته شد تا از نظر تصادف با اولین روز اعتصاب و تحریک احساسات مذهبی موفق به انجام مقصود خود گردند . این موضوع را سرگرد فاتح در نامه ای که به لشگر ۱۰ نوشته تصریح کرده است . منتهی گناه را به گردن وثوق ، فرماندار غیر نظامی آبادان انداخته و در آن نامه نوشته است :

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

" وثوق فرماندار غیر نظامی با گرفتن وجه از حسین گزی و کمک او انبار تخته حسین گزی و شرکا را به غایت می دهند و به علاوه با همین کمک و مشورت تأسیس حزب عشایر را به عنوان تبدیل نمودن به اتحادیه کشاورزان با اطلاع قبلی از تاریخ اعتصاب کارگران با روز تأسیس تطبیق می نمایند . "

همین سرگرد فاتح در ضمن بازجویی خود بیان نموده است :

" آقای وثوق فرماندار غیر نظامی ، افتتاح کلپ عشایر را طوری با ایراد اشکالات به تأخیر انداختند که درست با روزهای اعتصاب کارگران برخورد کند و آبادان را برای چشم زخم کارگران به خون آتش بغلطاند . "

آقای سرگرد فاتح که در اثر وظیفه فرماندهی پادگان از جریانات مرزی به خوبی اطلاع داشت مستحضر بود که وثوق فرماندار غیر نظامی اصولاً کوچک تر از آن بود که در سرزمین خوزستان و در نقطه ای مانند آبادان شخصاً چنین نقشه وسیع و عمیقی را تهیه و طرح نماید و موجبات آن حوادث وحشتناک را فراهم کند . ولی در صفحات بعدی بازجویی خود در نزد بازپرس حقیقت را فاش کرده و صریحاً گفته است :

" قبل از روز ۲۳ تیر این جانب اطلاع داشتم که اعراب مسلح ممکن است از خارج به آبادان وارد شوند و در شهر شورش و بلوا راه بیندازند . "

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

در آخرین دفاع بیان کرده است :

"وقتی که نیمه شب ۲۳ تیر ، رئیس نظمیّه از این که فردا اعتصاب می شود به من اطلاع داد من دستور دادم تا نظامیان پالایشگاه را حفظ کنند و مانع از ورود اعراب مسلح در آبادان شوند ."

اتحادیهٔ عشایر چیست ؟

دادستان دادگاه رسیدگی به اعتصاب خوزستان تا حدی این موضوع را روشن کرده است و مراجعه به پروندهٔ مربوطه ، قضیه را به خوبی واضح می کند . اجتماعی که از مثنی خائن تشکیل شده بود یک روز به نام " اتحادیهٔ کشاورز " و یک روز به نام " حزب کشاورزان " و روز دیگر به نام " حزب عشایر وابسته به دموکرات ایران " تظاهر می کردند و بیانیه منتشر می نمودند . در بیانیه ای که به زبان عربی به طبع رسانده و منتشر کردند پس از مقدمات طولانی تصریح کرده اند :

" ما از شرکت نفت تقاضا می نمائیم که مشاغل نفت به اهالی خوزستان و آبادان واگذار شود و کارگرانی که از خارج به این سرزمین خوزستان آمده اند فوراً اخراج گردند ."

علاوه از بیانیه ای که به زبان عربی به نام اتحادیهٔ عشایر منتشر گردیده ، بیانیه هایی نیز به زبان فارسی چند روز قبل از وقوع حوادث به نام اتحادیهٔ عشایر انتشار یافته . در این بیانیه چنین نوشته شده است :

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

" ما نیز می دانیم عناصر سودطلب و مزدوران غارتگری هستند که هر لحظه به شکلی در آمده و از فعالیت آزادی خواهان جلوگیری می کنند . ما منتظر هستیم که این گونه عناصر ناپاک را با آب های غسل دهنده و تبلیغات مفیده هدایت نموده و در صورتی که مفید نیفتد ، خورد و نابود کنیم . "

تصور می رود که لازم به توضیح نباشد که جمله " آب های غسل دهنده " یک جمله فارسی نیست و در این قبیل موارد از نظر زبان فارسی هیچ گونه مفهومی ندارد و از طرفی نه شیخ زهرا می توانست نه خلفِ آلِ صفر ، بیانیه به زبان فارسی انشا کند . مسلم این است که این بیانیه بدو به زبان انگلیسی نوشته شده و یکی از کارمندان شرکت نفت آن را ترجمه کرده و به نام اتحادیهٔ عشایر منتشر شده است . صرف نظر از این نکته ، دقت فرمائید تصریح می کنند :

" که ما منتظر فرصتی هستیم که این عناصر ناپاک را خورد و نابود کنیم . "

کدام فرصت بهتر از این که اعتصاب عمومی هفتاد هزار نفر کارگر و قریب ده هزار کارمند در روز ۲۳ تیر ماه شروع شود . با طرح مقدمات قبلی در خیابان پهلوی آبادان اجتماعی از افراد مسلح به نام افتتاح کلپ عشایر و یا تشکیل مجلس جشن حضرت حجت فراهم گردد و شروع به تیراندازی شود. چه فرصتی !

همین فرصت بود که آن افراد ناصالح به دستور اربابان خود منتظر آن بودند و در نتیجه بیش از پنجاه نفر کارگر ستم دیده را با تیر خود و مأمورین انتظامی کشتند و در حدود ۱۷۲ نفر را مجروح

حماسه ۲۳ تیر..... ف. م. جوانشیر

نمودند. همین حوادث موجب شد که عده زیادی یا به اتهام خلاف واقع و یا به استناد ماده ۵ قانون حکومت نظامی در سیاه چال های زندان افتاده و خانواده ها بر باد رود. نکته اساسی این است که شورای متحده آبادان پس از انتشار یافتن این بیانیه و استحضار از نقشه های شوم کارفرمایان نفت، وخامت اوضاع را درک کرد. در روز ۱۴ تیرماه دونفر از اعضای شورای متحده را مأمور نمود که به تلگراف خانه رفته و با نماینده نخست وزیر وقت، تلگراف حضوری نماید. آن دو نفر در همان روز موفق به تلگراف حضوری گردیده و تلگراف زیر را به مرکز مخابره نمودند که آقای دکتر فاطمی معاون نخست وزیر و نمایندگان شورای متحده از تلگراف خانه تهران جواب دادند.

اینک قسمتی از تلگراف و جواب آن :

" شماره ۷۵۹ جمعه ۱۴ تیرماه تلگراف حضوری از آبادان ،

- نماینده نخست وزیری . آقای روستا . دکتر جودت .

شرکت نفت به جای این که به تقاضای کارگران ترتیب اثر دهد ، دست به تحریکات دامنه داری که بدون شک مخارج این تحریکات به مراتب افزون تر از نصف تقاضاهای کارگران است زده ولی از آن جایی که این شرکت دارای سیاست معین " ایران بر باد ده ! " است که سال ها است به کار برده . اکنون عده ای از کنترات چی های خود و چند نفر جاسوس را به تحریکات میان عشایر عرب زبان واداشته و فعالیت شدیدی برای تشکیل اتحادیه عشایر و پخش اسلحه میان عشایر و تطمیع

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

افراد آن ها ادامه دارد و اکنون سرتاسر خوزستان متشنج است . . . چنانچه اقدامات فوری نشود ،

هیات اعزامی به خوزستان اعزام نگردد نتایج وخیمی حاصل خواهد شد . تربیت ، صفوی ."

پاسخ :

" آبادان – آقایان تربیت ، صفوی –

آقای دکتر فاطمی معاون جناب آقای نخست وزیر در تلگراف خانه حضور دارند . جواب خواهند داد .

اتخاذ تصمیم به عمل آمده است و نسبت به سایر مطالب مستقیماً با جناب آقای رئیس الوزراء

مذاکره می نماییم از قرار نامه مطلع می گردید . روستا – دکتر جودت ."

وقتی که داستان شیخ عبدالله و تشکیل اتحادیه عشایر و انتشار بیانیه هایی که به عرض رسیده

است و اظهارات سرگرد فاتح را مبنی بر وجود تصمیم قبلی بر حمله مسلحانه اعراب را به آبادان با

دلایل و قرائن دیگر ضمیمه کنیم دیگر هیچ تردیدی باقی نمی ماند که نقشه از کجا تهیه و طرح

شده و چگونه به موقع اجرا درآمده است .

سرهنگ لئالی رئیس شهربانی آبادان صریحاً " به شرکت نفت نوشته است :

" بر طبق آگهی های آن شرکت عده زیادی بیکار به آبادان هجوم آورده و همه روزه برای کار

مراجعه می کنند کاری به آنها داده نمی شود در شهر مرتکب سرقت و اعمال خلاف انتظام می

شوند لازم است کمیسیون تشکیل و در این باب تصمیمی اتخاذ گردد ."

حماسه ۲۳ تیر..... ف. م. جوانشیر

اما شرکت مخصوصاً می خواست این بیکاران در آبادان تجمع کنند و در فرصت مقتضی برای ایجاد ماجرا مورد استفاده قرار گیرند ترتیب اثری به نامه مذکور نداد.

محتویات پرونده و تحقیقات انجام شده از سرگرد فاتح و سروان مهاجر روشن می کند که بعد از وقایع ۲۳ تیر ماه شرکت به فکر اخراج این بیکاران افتاد. زیرا که نقشه اجراء شده بود و دیگر شرکت به وجود بیکاران احتیاجی نداشت. و حتی برای بیرون فرستادن آنها علاوه از پولی که داد از قوای نظامی که در اختیار فرماندار نظامی بود استفاده کرده طرح کنندگان نقشه همه اسباب کار را به خوبی جمع کرده بودند. دستور افتتاح کلوب عشایر در شب جشن تولد حضرت حجت مصادف با اولین روز اعتصاب عمومی، جمع آوری بیکاران و ولگردان مقارن با همان ایام در آبادان، تحریک عشایر و ایرانیان عرب زبان به این که کلیه مشاغل مربوط به کمپانی باید به اهالی خوزستان واگذار شود. امیدوار کردن کارگران به اینکه دستمزد روز جمعه تأدیه خواهد شد و گرفتن ۹ روز مهلت برای حل این موضوع در لندن، ولی در عین حال تهیه مقدمات جهت مجهز کردن اعراب و تحریک و تهییج آنان، هر یک از این عوامل به تنهایی برای وقوع یک حادثه خونین کافی بوده است.

اما جریان حادثه خونین عصر ۲۳ تیر ماه ۱۳۲۵ از این قرار است که دو نفر از کارگران برای سرکشی به کلوب های خود خواستند با اتومبیل از جلوی کلوب عشایر عبور کنند. عده ای از افراد اتحادیه عشایر با کمال خشونت از عبور آنان ممانعت نموده و بلافاصله سید مجید خراسانی با اسلحه کمبری

حماسه ۲۳ تیر..... ف. م. جوانشیر
که دارا بود تیراندازی کرده صدای تیر به کلوب‌ها رسیده و فوراً شهرت یافت که چند نفر از کارگران
که با اتومبیل از جلوی کلوب عبور می‌کردند با اسلحه گرم کشته شدند. عده مختصری از کارگران
که نزدیک تر به محل تیراندازی بودند بدون دستور به طرف کلوب عشایر رفتند شروع تیراندازی از
طرف کلوب عشایر و رفتن عده ای کارگر به طرف کلوب موجب شد که ولگردان و عناصر مشکوکی
قبلاً به وسیله شرکت نفت جمع آوری شده بودند برای انجام نقشه و اجرای منظور به طرف کلوب
اتحادیه عشایر هجوم برند.

گذشته از نامه رئیس شهربانی به شرکت نفت مبنی بر این که ورود بیکاران در آبادان بر حسب
آگهی های شرکت نفت موجب عدم امنیت گردیده اصولاً دادستان نظامی وقایع خوزستان معتقد
است که این بلوا و شورش بر حسب نقشه های قبلی مامورین دولت انجام یافته و آقای دادستان
وجود ولگردان زیاد را هم افزار کار و وسایل ایجاد ناامنی معرفی کرده است. چنان که در باب اتهام
سرگرد فاتح فرماندار نظامی می نویسد:

" طبق محتویات پرونده و به موجب شرحی که به عرض رسانیده است سرگرد احمد فاتح که در روز
۲۳ تیر ماه از اعتصاب کارگران و افراد اتحادیه عشایر و وجود ولگردان حداکثر استفاده را نموده تا
حد امکان اجرای جرایم را تسهیل می نماید."

و در بند ۴- از فصل مربوط به اتهام سرگرد فاتح دادستان مرقوم داشته است:

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

" با در دست داشتن قراین و امارات که ایجاد تحقیقات را در زمینه بیکاران می نمود شروع به تحقیقات گردید که نتیجه آن بر دادستان ثابت نموده است که در روز ۲۳ تیر ماه بیکاران خارج شده از آبادان در تحت حمایت فرماندار نظامی و شهربانی در غارت خانه های حداد و کویتی بیکار نبودند و از پرتو وجود این بیکاران بوده است که افسانه حمله به شهربانی به وجود می آید . سرگرد فاتح طبق اعتراف صریح که نموده است بدون انجام کوچک ترین تشریفاتی متجاوز از ۵۰۰ نفر را از آبادان خارج نموده است که آن نفرات با دلایلی که بعرض رسانیده و بنا به اوضاع و احوال پرونده در جرایم روز ۲۳ تیر ماه شرکت داشته اند .

به نظر دادستان کسانی را که سرگرد فاتح از آبادان اخراج نموده است در روز ۲۳ تیر ماه از عوامل قویّه در تشنج شهر بوده اند . و در این مورد رابطه فرماندار نظامی با سرپرست شهربانی آبادان بسیار نیکو بوده و دو مقام نامبرده ، رویّه مشترکی داشته اند . " سرگرد ستاد احمد فاتح با سمت فرماندار نظامی آبادان در روز ۲۳ تیر ماه اجرای جرایم را تسهیل و به مباشرین جرم کمک کرده است . با فلج نمودن نیروی نظامی ، ولگردان آبادان را به فعالیت واداشته و پس از انجام مقصود به منظور محو آثار اقدامات خود ، آن ها را با زبردستی هر چه تمامتر از آبادان اخراج می نماید . "

آقایان دادرسان – با در نظر گرفتن آنچه که داستان دادگاه نظامی رسیدگی به اعتصاب در باب همکاری فرماندار نظامی و رئیس شهربانی و وجود روابط نیکو در کیفر خواست نوشته اند روشن می

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

گردد که حوادث خونین به دست ولگردان و عشایر که تحت حمایت فرماندار نظامی بوده اند انجام یافته و پس از ختم غائله بدون این که تعقیب شوند آنها را از آبادان خارج کرده اند تا آثار جرم محو شود .

بنابر آنچه گفته شد در اینکه توطئه و تبانی شدید از طرف کارفریان شرکت نفت تهیه شده بود که به دست ولگردان و اتحادیه عشایر ، آبادان را در خون بکشند و چشم زخمی از کارگران بگیرند جای تردیدی باقی نمی ماند و آقای دادستان دادگاه رسیدگی به اعتصاب در چهل و پنج صفحه از کیفر خواست خود چنین اظهار عقیده نموده است که تمام این حوادث به دست ولگردان و اتحادیه عشایر به تحریک و حمایت فرماندار نظامی و رئیس شهربانی انجام یافته است .

نسبت به عده مقتولین و مجروحین پرونده کار کاملاً روشن نیست . آنچه مسلم است ۱۷۳ نفر با اسلحه گرم مجروح شده اند . این موضوع در گزارش سرهنگ تورج امین به عنوان نخست وزیر وقت در پرونده موجود است . عده مقتولین که دقیقاً معلوم نیست متجاوز از پنجاه نفر بوده است ولی همان کسانی که باروت را تهیه کرده و آتش زده اند با سرعت هر چه تمامتر جنازه مقتولین و جسد نیمه جان عده ای از مجروحین را به نام مقتول در کامیون ها ریخته بدون معاینه و انجام تشریفات قانونی شبانه به خرمشهر برده و حتی بدون رعایت تشریفات مذهبی دو گودال حفر کرده و تمام اجساد را اعم از مقتول و نیمه جان در دو گودال ریخته اند .

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

این مقتولین و مجروحین چه اشخاصی بوده اند؟ حتی مطابق گزارش سرهنگ تورج امین در حدود دو سوم (دو ثلث) از مقتولین و مجروحین از کارگران بوده اند و قسمت مهم بقیه هم از اتحادیه های پیشه وران و غیره وابسته به کارگران بوده اند .

چنانچه آقایان قضات به دقت محتویات پرونده را مطالعه کنند متوجه خواهند شد که پس از تیر اندازی سید مجید در کلوب عشایر به طرف کارگران و اجتماع عده زیادی از ولگردان و بیکاران که بنا به عقیده دادستان نظامی تحت نظر مامورین انتظامی جمع آوری و حمایت و اداره می شدند و رفتن عده ای کارگر به طرف کلوب عشایر جهت استحضار از حال رفقای خود و اقدام به تیر اندازی شدید از طرف اتحادیه عشایر و مامورین شهربانی و فرماندار نظامی هیولای اغتشاش و ناامنی و هرج و مرج به نحوی که منظور رؤسای شرکت نفت بوده در قسمت مهمی از آبادان خودنمایی کرد. دیگر به هیچ وجه کارگران مؤثر در اوضاع و حفظ امنیت نبوده اند و همان ولگردان و بیکاران دست به غارت کلوب عشایر و خانه حداد و یوسف کویتی زده اند . چنانچه خود دادستان واقعه اعتصاب در فصل اتهامات مربوط به سرگرد فاتح صریحاً اظهار عقیده می کند و می گوید :

" عدم جلوگیری از غارت خانه حداد واقع در صد قدمی شهربانی و غارت خانه کویتی واقع در چند قدمی آن دلیل بر این است که بیکاران بنا به دلخواه مقامات نام برده بیکار نبوده اند و نیز محاصره

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

شهربانی مانور ولگردان بوده که شهربانی رویه خود را نسبت به عدم جلوگیری از غارت ها و قتل حسین گزی موجه بداند ."

این اظهار عقیده صریح از طرف دادستان نظامی تصدیق به این است که ولگردان و بیکاران تحت تأثیر و نفوذ شورای متحده کارگران نبوده و دیگران آنها را اداره می کرده اند .

آقایان دادرسان ! مرگ زحمتکشان و گناه استثمارگران هیچ کدام در نظر هیأت حاکمه اهمیت ندارد.

به نحوی که پرونده امر حکایت می کند تیر اندازی سید مجید در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر شروع شد و

در ساعت ۶ بعد از ظهر که در ماه تیر در آبادان تقریباً یک ساعت و نیم به غروب است قصابی افراد

عشایر و تیر اندازی مامورین انتظامی در نهایت شدت بود تا ساعت ۸/۵ بعد از ظهر متجاوز از

دویست نفر با تیر تفنگ از پای در آمدند . عده ای مقتول و عده ای مجروح شدند . فرماندار نظامی

پشت دستگاه تلفن دائماً با رئیس شهربانی و کلانتری ها و فرماندار غیر نظامی و دوایر مرکزی

آبادان و کارفرمایان شرکت نفت در تماس بود معذالک در بازجویی حتی در تحقیقات دادگاه اظهار

داشته است که در شب ۲۴ تیر ماه ساعت ۱۱/۵ که تلفوناً خبر قتل حسین گزی داده شد من فقط از

کشته شدن حسین گزی و حداد اطلاع پیدا کردم و از این که کسانی دیگر کشته و یا مجروح شده

باشند خبری نداشتم .

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

کارگران و زحمتکشانی که کشته و یا مجروح شدند آن اندازه در جامعه ما ارزش نداشتند که آقای فرماندار نظامی از کشته شدن آنها اطلاع پیدا کند. جریان عمل و تنظیم پرونده امر به خوبی روشن می کند که افراد زحمتکش به نظر عمال هیأت حاکمه ارزش ندارند والا چگونه ممکن بود محرکین و مسببین و مباشرین کشتار بیش از پنجاه کارگر و مجروح شدن ۱۷۲ نفر کارگر و زحمتکش به کلی فراموش شوند و مقامات قضائی، عده ای دیگر از همان زحمتکشان را تحت تعقیب در آورده و آن ها را محرک قتل و یا معاون در قتل حسین گزی معرفی نمایند. این جریانات مطلوب به قدری تعمیم و توسعه یافت که حتی آقای سرهنگ مهتدی و دادستان این دادگاه فقط و فقط متوجه کشته شدن حسین گزی و حداد بوده و از سایرین کوچک ترین اسمی نبرده و یادی نکرده است و این بوده است نتیجه ای که کارگردانان زالوصفت نفت جنوب در پی حصول آن بوده اند و به خوبی به دست آورده اند.

آقایان دادرسان!

خلاصه پرونده های متعدد و قطور که در اطراف اعتصاب ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ خوزستان تشکیل یافته، آن است که در روز ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ قتل و جرح هایی به عمل آمده و اموالی غارت گردیده. موجدین قتل و جرح و غارت معرفی شدند. عاملین غارت ها نیز از طرف دادگاه رسیدگی به امر

حماسه ۲۳ تیر..... ف. م. جوانشیر

اعتصاب ، مورد پیگرد قرار گرفته و متجاوز از ۳۸ نفر از متهمین به غارت را محاکمه و اغلب را محکوم کرده اند و هیچ یک از آنان از کارگران منتسب به اتحادیه کارگران نبوده اند .

نسبت به قتل ها و مجروح شدن اشخاص آقای سرگرد فاتح در آخرین دفاع در نزد بازپرس صریحاً گفته است :

" در این جا مأمورین یک صد و پنجاه نفر را مقتول و یا مجروح می کنند ، مگر این اقدام نیست . مگر باید تمام شهر را منفجر نمود و یا تمام مردم را کشت ؟ چه اقدامی شدیدتر از این ممکن است به عمل آورد . "

در چند سطر بعد از این بیان آقای سرگرد فاتح بیان کرده است :

" این همه مردم بیچاره که کشته و زخمی کرده اند مگر کافی نیست که باز هم اقدام عملی را آقای دادستان خواستار شده اند . این ها در قاموس ایشان اقدام نظری است ؟ "

در صفحه بعد می گویند :

" اگر ایشان به جای من بودند چه اقدام عملی می کردند چند هزار نفر را دستور می دادند بکشند ؟ "

با این بیان و در نظر گرفتن مسلح بودن افراد اتحادیه عشایر و دقت در عبارات بیانیه اتحادیه عشایر به این که :

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

" ما منتظر فرصت هستیم که این گونه عناصر ناپاک را به آب های غسل دهنده یا به تبلیغات مفیده هدایت نموده در صورتی که مفید نیفتد خورد و نابود کنیم . "

آیا جای تردید باقی می ماند که کشتار از کدام طرف شده است ؟

اداره شهربانی مقدار فشنگ مصرفی از هر یک قسمت های خود را صریحاً به مرکز گزارش داده که عدد قابل ملاحظه ای است . سرگرد فاتح نیز اظهار داشته که سه گروه نظامی مسلح برای کمک به شهربانی فرستاده است . آیا باز هم می توان تصور کرد افراد اتحادیه کارگران و اعتصاب کنندگان شروع به قتال نموده اند ؟

غارت را حسن بهمن سارق معروف و سایر سارقین و ولگردان مرتکب می شوند . کیفرخواست جداگانه ای برای آن ها تنظیم می گردد . محاکمه و محکوم می شوند . قتل ها و جرح ها را سرگرد فاتح ناشی از تیراندازی مأمورین انتظامی معرفی می کند و بنا به بیان آقای دادستان نظامی و گزارش شهربانی عشایر هم مسلح بوده اند و بازی گران مهم این صحنه نیز در پشت پرده ، رشته های حساس را دردست داشته و همه را به حرکت در می آوردند . آیا باز هم جای آن باقی است که زحمتکشان خوزستان و یا شورای متحده مرکزی مورد اتهام قرار گیرند ؟

اعتصاب چگونه پایان یافت ؟

صبح روز بیست و چهارم تیر پس از استحضار از جریان اعتصاب خوزستان به وسیله تلگراف حضوری نمایندگان شورای متحده مرکزی ، آقای نخست وزیر و معاون ایشان را در عمارت نخست وزیری ملاقات کردند . ضمن این ملاقات پس از مذاکراتی که در باره حوادث خونین خوزستان به عمل آمد قرار شد بعد از ظهر همان روز هیأتی از طرف دولت به اتفاق نمایندگان شورای متحده مرکزی به خوزستان برود و جریان امر را فیصله بخشد . ساعت ۲ بعد از ظهر هیأتی به عضویت آقایان معاون نخست وزیر و احمد آرامش و ثقفی مدیر کل وزارت پیشه و هنر از طرف دولت و دکتر رادمنش و دکتر جودت از طرف شورای متحده مرکزی به وسیله هواپیما به جانب خوزستان پرواز کرد . ساعت ۵ بعد از ظهر همان روز وارد فرودگاه آبادان شدند و بلافاصله اقدامات اولیه خود را برای بررسی اوضاع آغاز کردند . در همان دقائق اول اعضای هیأت احساس کردند که سر راه آن ها مشکلات بزرگی ایجاد شده است و از جانب کارکنان کمپانی و عمال ایرانی نمای آن ها برای جلوگیری از اختتام مسالمت آمیز اعتصاب کارشکنی های فراوانی به عمل خواهد آمد . مصباح فاطمی عامل نشان دار و رسوای شرکت به کمک سرگرد فاتح فرماندار نظامی آبادان و سرهنگ لئالی رئیس شهربانی آبادان به هیچ وجه مایل نبودند اعتصاب با مسالمت پایان یابد و سر و صداها خاتمه پیدا کند . آن ها می خواستند با استفاده از موقعیتی که ایجاد کرده بودند و با اتخاذ خصمانه ترین رویه ای که ممکن بود نیات سوء کارگردان های انگلیسی شرکت را مبنی بر انهدام کامل

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

تشکیلات شورای ایالتی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان خوزستان کاملاً اجرا نمایند. به همین جهت پس از ورود هیأت به آبادان نیز اعمال خشونت آمیز خود را ادامه دادند و تمام نقاط شهر را از روی بام های منازل کارگران و دیوار خانه ها در معرض تهدید مسلسل های سبک و سنگین نگه داشتند. خیابان های شهر و بسیاری از مراکز عمومی و معابر شهر به وسیله سربازها و افراد مسلح پلیس اشغال شده بود و همه جا برق سرنیزه به چشم می خورد.

وقتی معاون نخست وزیر، نمایندگان کارگران خوزستان را برای مذاکره احضار کرد سرگرد فاتح گستاخانه و بدون پروا اطلاع داد که عده ای از آن ها در توقیف هستند و اضافه کرد که بقیه نیز توقیف خواهند شد. و تمرّد جسورانه این شخص در مقابل معاون نخست وزیر نشان داد که حامیان دیگری برای خود می شناسند و در پناه قدرت آن ها از مقرراتی که قانون کشور ما برای او و امثال او تعیین کرده است پروایی ندارد. بالاخره بعد از اشکال تراشی های فراوان چند نفر از نمایندگان را از زندان تحت نظر مأمورینی که با مسلسل های سبک مسلح بودند به نزد اعضای هیأت راهنمایی کردند و مذاکره بین هیأت اعزامی و نمایندگان کارگران شروع شد. آنان خواستار اجرای کامل قانون کار در باره کارگران نفت و رسیدگی کامل به کشتار بی رحمانه ۲۳ تیر بودند. آنان توضیح دادند که چگونه نقشه این توطئه به وسیله خود شرکت طرح و به وسیله اتحادیه عشایر و به دستگیری

حماسه ۲۳ تیر..... ف. م. جوانشیر

عناصری مثل مصباح فاطمی و سرگرد فاتح و سرهنگ لئالی برای پایمال ساختن حقوق کارگران و ارباب آن‌ها ترتیب داده شده و به قتل عده کثیری از مردم بی گناه و زحمتکش منجر گردیده است. نمایندگان کارگران را پس از این مذاکره باز با همان وضع به زندان انتقال دادند. در حالی که مصباح و اعوان و انصارش حتی از احضار بسیار مؤدبانه نمایندگان کمپانی برای مذاکره نیز عاجز بودند و دائماً عذر می آوردند که این‌ها گناهی ندارند و آدم‌های "محترم" و "حق و حساب دادنی" هستند. برادران زحمتکش ایرانی ما را تحقیر و توهین می کردند. در زندان نگه می داشتند و وحشیانه به گلوله می بستند و در مقابل به تجلیل و تکریم عمال بیگانل شرکت می افزودند.

موقعی که مذاکره با نمایندگان کارگران خاتمه یافته بود و اعضای هیأت در عمارت فرمانداری مشغول رسیدگی به کارها بودند ناگهان در شهر صدای شلیک شدیدتر به گوش رسید و وقتی علت آن سؤال شد جواب دادند که برای متفرق ساختن کارگران تیراندازی شده است.

فرماندار نظامی در مقابل اعتراض اعضای هیأت که چرا با وجود قصابی بی رحمانه دیروز باز هم به قتل تمام مردم پرداخته اید جواب داد که وظیفه دارد تیراندازی کند و اگر به جای چهل نفر دیروز، هزار نفر هم کشته می شدند او باز هم "وظیفه" خود را انجام می داد. چون اصرار اعضای هیأت برای خاتمه دادن به این وضع به جایی نرسید تصمیم گرفتند خودشان در محل حادثه حضور پیدا

حماسه ۲۳ تیر..... ف. م. جوانشیر

کنند و وضع را از نزدیک مورد توجه قرار دهند. در نتیجه با این که همه حاضرین آن ها را به احتراز از خطر جانی توصیه می کردند بدون این که به تهدیدات عمال شرکت وقعی بگذارند به محل حادثه رفتند و با این که در راه با تیراندازی خدعه آمیز افراد مسلح روبرو شدند توانستند نیرنگ شرکت را بلا اثر بگذارند و از وقوع احتمالی زد و خورد خونین دیگری که به تحریک مصباح در شرف انجام بود جلوگیری کنند. قصد عمال شرکت از این توطئه این بود که هم هیأت اعزامی و هم کارگران را یک بار دیگر مرعوب کنند و ضمناً آن ها را به ایجاد بلوا و شورش متهم سازند.

فردای آن روز بنا به درخواست مصرانه اعضای هیأت بالاخره نمایندگان کارگران از زندان آزاد شدند و دو مرتبه با آن ها در باره تقاضاهایی که داشتند مذاکراتی به عمل آمد. بعد از این ملاقات از طرف معاون نخست وزیر نامه ای به شرکت نفت نوشته شد که بعداً در روزنامه های مرکز منجمله در روزنامه ظفر درج گردید و برای استحضار آقایان قضات قرائت می شود:

" تاریخ سه شنبه اول مرداد ۱۳۲۵ "

شرکت نفت ایران و انگلیس.

به طوری که مستحضر هستید در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۵ قانون کار از طرف هیأت وزیران تصویب گردید و از همان تاریخ در سرتاسر کشور لازم الاجراء گردید. موافق مفاد ماده ۶ قانون کار مقرر گردید که در صورتی که کارفرما دستمزد روز جمعه را به کارگر نپردازد مؤظف است حقوق

حماسه ۲۳ تیر..... ف. م. جوانشیر

هفتگی او را طوری پردازد که دستمزد شش روز کار معادل دستمزد هفت روز باشد. و نیز طبق تبصره ۲ ماده ۲۴ قانون کار مقرر شده است که حداقل دستمزد کارگران به اقتضای نقاط مختلف کشور باید طوری باشد که تأمین هزینه زندگی و عائله او را بنماید.

میزان حداقل دستمزد در نقاط مختلفه توسط هیأت مذکور در ماده ۳۱ در اول هر سال برای مدت یک سال معین و با تصویب شورای عالی کار به موقع اجرا گذارده خواهد شد. چون برای تعیین حداقل مزد طبق تبصره استنادی فوق الذکر با حضور نمایندگان شرکت نفت و کارگران دولت در وزارت پیشه و هنر مذاکراتی به عمل آمده و نسبت به مقدار جیره که جهت تأمین معاش روزانه کارگر غیر ماهر و عائله اش ضروری تشخیص داده شده طبق صورت مجلسی که به امضای نماینده شرکت نفت هم رسیده موافقت حاصل گردیده است و نظر به این که بهای جیره مزبور به ریال با در نظر گرفتن نرخ فعلی اجناس در خوزستان قطعاً بیش از میزان ۳۵ ریال پرداختی فعلی روزانه یک کارگر میباشد لذا مقرر گردید که شرکت نفت ایران و انگلیس نکات زیر را به موقع اجراء بگذارند.

(۱) مزد روز جمعه عموم کارگران شرکت نفت باید از تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۵ که تاریخ اجرای قانونکار میباشد پرداخته شود.

حماسه ۲۳ تیر..... ف. م. جوانشیر

۲) به مجرد اینکه موافق ماده ۳۱ قانون کار با در نظر گرفتن صورت مجلس استناد به فوق الذکر حداقل دستمزد کارگر تعیین و ابلاغ گردید باید مزد کارگران شرکت نفت مطابق میزان مزبور از تاریخ اجرای قانون کار پرداخته شود.

نظر به اینکه مقتضیات امروزه و مخصوصاً توجه خاص دولت به اجرای قانون کار و تأمین حقوق کارفرما و کارگران ایجاب می کند در تأمین زندگی و آسایش بهداشت کارگران بطور کلی مساعدت و تسهیلات بیشتری فراهم گردد یقین است شرکت نفت ایران و انگلیس با منویات اصلاح طلبانه و مترقی دولت در اجرای مقررات قانون و مخصوصاً رعایت و اجرای مفاد ماده ۱۷ امتیاز نامه شرکت تشریک مساعی کامل نموده و موجب امتنان دولت را بیش از پیش فراهم خواهد ساخت. از طرف نخست وزیر - مظفر فیروز

به این ترتیب دستمزد روزهای جمعه که بر طبق قانون مورد تقاضای کارگران بود پرداخت شد و اجرای تقاضای دیگر آنها در مورد ازدیاد حداقل دستمزد و مراعات مفاد ماده ۱۷ امتیاز نامه ضمانت گردید و در نتیجه اعتصابی که برای احراز یک حق قانونی کارگران آغاز شده بود اگر چه در اثر توطئه امپریالیست های انگلیسی و عمال ایرانی نمای آنها به اعتصاب خونین تبدیل یافته بود با موفقیت کارگران شرکت نفت خاتمه پذیرفت و شرکت نفت که با وجود همه تشبثات خشن و خلاف قانون خود برای اولین مرتبه در مقابل نیروی دسته جمعی گروه بزرگی از زحمتکشان ایران زانو به

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

زمین زده بود درصدد انتقام جویی برآمده و با استفاده از مقررات حکومت نظامی صدها تن از فعالین اتحادیه های کارگری خوزستان را تحت فشار قرار داده عدّه کثیری از آنها را اخراج و تبعید کرد .
عده ای را به زندان انداخت و برای عده ای نیز چنان که شرح داده شد پرونده های بی پایه و اساسی ساخت و آنها را به محکمه کشاند ولی در محکمه اکثر آن ها تبرئه شدند و بقیه نیز پس از مدت کوتاهی از زندان آزاد گردیدند . این اعمال انتقام جویانه شرکت برای عدّه زیادی از کارگران خوزستان فوق العاده گران تمام شد و خانمان عده زیادی از زحمتکشان میهن ما را پریشان ساخت .
عائله ها از هم پاشیده شد و خانمان ها به باد رفت تا از این به بعد کسی جرأت نداشته باشد از منافع ملت و میهنش و حقوق مسلمی که در کشور خود دارد دفاع کند . این شیوه ای است که همیشه شرکت به کمک مزدوران ایرانی نمای خود به کار برده است .

به طوری که قضات دادگاه ملاحظه می فرمایند هزارها نفر از هموطنان زحمتکش ما در سخت ترین شرایط به روی گران بهاترین ثروت ارضی ایران عزیز ما کار می کنند و حاصل جان کندن آنها بصورت سیل طلای سیاه به خزانه های کنار رود تایمز سرازیر می شود برای تأمین حداقل مایحتاج زندگی ، برای استرداد قسمتی از حقوق مشروع خویش برای مطالبه ثروت دزدیده شده ملت ایران به قانونی ترین وسیله یعنی به اعتصاب دست زده اند . عمال ایرانی شرکت نفت با کمال بی رحمی با گلوله به آنها جواب گفته و عده کثیری را مجروح گردانیده اند . ولی قضیه به آنجا خاتمه نیافته است

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

و شرکت نفت برای اینکه ریشه افکار حق طلبی ملت ایران را برآورد اینک حزب توده ایران را که پیوسته بزرگ ترین پشتیبان مطالبات ملت ایران و راسخ ترین مبارز میدان استعمار بوده به دست آقای دادستان به پای میز محاکمه کشانیده است . ما متهمیم زیرا که در موقع وقوع اعتصاب آبادان از حقوق کارگران ایران دفاع کرده ایم . ما متهمیم زیرا که با کشتار ایرانیان زحمتکش مخالفت ورزیده ایم . ما متهمیم زیرا که شرکت نفت را به خوبی شناخته و آن را به ملت ایران به خوبی شناسانده و بر ضد منافع استعماری آن با کمال شدت مبارزه کرده ایم .

ما به این اتهامات افتخار می کنیم و یقین داریم که هر رنگی که به واقعیات مبارزات ما زده شود و هر رأیی که در این محکمه اتخاذ گردد در افکار عمومی ملت ایران خللی وارد نخواهد آورد و حزب توده ایران در پیشگاه قضاوت ملت ما سربلند خواهد بود .

چند سند

در نشریه وزارت کار که به قصد " محکوم کردن " حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی کارگران انتشار یافته چند مسأله از اسناد حزبی و سندیکایی منتشر شده است . بخشی از این اسناد صورت جلسه های فعالین و کمیته های حزبی است که به دست پلیس افتاده و به وزارت کار شاهنشاهی - شعبه تبلیغاتی پلیس - منتقل شده است . تعدادی نیز اعلامیه و آگهی است که در آن سالها در خوزستان از طرف حزب و شورای متحده در خوزستان پخش شده و تبلیغات شاهنشاهی آنها را به دلیل این که ضد شرکت نفت و ضد استعمار است ، جرم و خیانت تلقی نموده است .

نشریه وزارت کار ، شورای متحده ایالتی کارگران و زحمتکشان خوزستان را به دلیل این که علیه شرکت استعماری نفت و علیه فرماندهان خود فروخته ارتش اعلامیه داده و سربازان را از تیراندازی به سوی کارگران منع کرده است مجرم می داند و مدعی است که این گونه کارها " سیاسی " است و سندیکا نباید در سیاست دخالت کند .

وزارت کار شاهنشاهی با صراحت تمام می پرسد :

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

" آیا شورای متحده کارگران و زحمتکشان آبادان برای مبارزه با شرکت نفت انگلیس و ایران به وجود آمده و آیا از طرف دولت ایران نمایندگی داشت که در اعمال شرکت مزبور نظارت کرده و اداره کنندگان آن را به وظایف خود آشنا سازد؟"^۶

به رغم وزارت کار شاهنشاهی ، خادم استعمار انگلیس ، اتحادیه کارگران و زحمتکشان خوزستان می بایست با کارفرما (شرکت نفت انگلیس) برای بهبود وضع کارگران !! همکاری کند نه این که علیه آن شرکت برخیزد .

ما در زیر برخی از اسناد مندرجه در این نشریه را از صفحات ۱۲ تا ۲۲ نقل می کنیم :

۶ . نشریه یادشده وزارت کار ، صفحه ۱۲

اخطار به عموم کارگران شرکت نفت آبادان و توابع

اعلامیه شورای متحده کارگران آبادان

از چندی پیش به این طرف شرکت نفت انگلیس بنای مخالفت و کار شکنی را نسبت به قانون کار گذاشته و بنابر این شرکت مزبور برای انجام نقشه های پلید خود دست به تحریکاتی زده است منجمله عده یی از کارگران قدیمی زحمتکش که سال های دراز نیروی خود را برای منافع سهام داران شرکت صرف کرده اند و مخصوصاً اعضای فعال اتحادیه های کارگری را می خواهد به عناوینی متفرق نموده یا از کار اخراج کند . شورای متحده کارگران آبادان به نمایندگی قاطبه کارگران شرکت نفت در ضمن اظهار مخالفت و تنفر نسبت به این رویه حق کشی شرکت در عین حال ، مراتب را به نماینده رسمی و صلاحیت دار دولت که در این مورد ریاست سازمان بازرسی کار خوزستان است تذکر داده و مشارالیه اظهار داشتند که دولت جداً تصمیم گرفته است که قانون کار را به مورد اجراء گذاشته و مطابق مفاد آن عمل خواهد کرد . و بنابر این جای هیچ گونه نگرانی نیست و راجع به کارگرانی که شرکت نفت به عناوین مزورانه اخراج نموده و یا می خواهد اخراج کند نماینده دولت قول دادند که از روز تصویب قانون کار یعنی از تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ کلیه کارگرانی که شرکت نفت اخراج کرده است در شورای کارگاه ، قضیه آنها مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و چنانچه معلوم شود که شرکت نفت بر خلاف قانون ، آنها را اخراج کرده و یا این که نسبت

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

به آنها اعمال نظرهای خصوصی کرده است دولت ایران ، شرکت نفت را ملزم خواهد کرد که کارگران نامبرده را به کار خود مراجعت داده و مزد روزهای بیکاری را کاملاً دریافت دارند .

بنابر این شورای متحده کارگران آبادان به کلیه اتحادیه های وابسته دستور می دهد که فوراً صورتی از اسامی کارگرانی که از تاریخ ۲۸ اردیبهشت تا کنون اخراج شده اند تنظیم نموده و به شورای متحده آبادان ارسال دارند تا قضیه در شورای کارگاه مطرح و مورد رسیدگی و حکمیت قرار گیرد .

بقیه کارگرانی که بدون عذر موجه از کار بیکار شده اند می توانند همه روزه به شورای متحده آبادان رجوع نموده ، نام خود را برای رسیدگی در شورای کارگاه ثبت کنند تا به نوبت رسیدگی شود .

اتحادیه های وابسته مخصوصاً مؤظفند که اسامی کارگران فعال تشکیلاتی را معرفی نموده و اعمال نظرهای خصوصی شرکت و کارفرمایان را در باره آنها کاملاً مرقوم دارند تا در این باره تحقیق کافی عمل آید زیرا شورای متحده کارگران آبادان به پشتیبانی عموم کارگران خوزستان و ایران جداً تصمیم گرفته است که دست شرکت نفت را از دخالت در کارهای سیاسی و اعمال نظرهای مخالف با تشکیلات و اتحادیه های کارگری برای همیشه کوتاه سازد و آن را به یک مؤسسه اقتصادی و تجارتي محدود کند .

- زنده باد نیروی اتحاد کارگران ایران

- شورای متحده کارگران و زحمتکشان آبادان

بیانیه شورای متحده کارگران و زحمتکشان آبادان خوزستان در چنگال استعمار!

شورای متحده اتحادیه های کارگران و زحمتکشان آبادان که در تحت رهبریت سیاسی یگانه حزب نیرومند و آهنین حزب توده ایران که پس از چند سال مبارزه زیرزمینی که توأم با فداکاری و شجاعت های بی پایان بود و اکنون چند ماه است مبارزه علنی خود را با عمال سودپرست و چپاولگر که ملت ایران را عموماً و خوزستان عزیز را خصوصاً زیر منگنه فشار گذارده به مستعمره تبدیل کرده است برای استحضار عموم ستم دیدگان : فلاحین ، کارگران ، پیشه وران و روشنفکران آزادیخواه اعلام می دارد که :

احزاب و اتحادیه های قلابی و پوشالین که از ظاهر آن باطن سیاه و کثیف آنان روشن است به وجود می آورند و از این مضحک تر برای کسب وجهه و اغفال مردم از نام پر افتخار حزب توده ایران و شورای متحده کارگران و زحمتکشان سوء استفاده کرده و خود را منتسب به ما می دانند و با وارد کردن اسلحه ، اشخاص و اهالی را تهدید می کنند . غافل از اینکه ساکنین خوزستان که عمری را در زیر فشار و زحمات طاقت فرسا به سر برده اند از این بیشتر گول آنها را نخورده و در عوض ستاد اردوی خود ، شورای متحده کارگران و زحمتکشان را تقویت می کنند زیرا کارگران و زحمتکشان و دهقانان و روشنفکران و پیشه وران الی کنون به خوبی تشخیص داده اند که این مزدورانی که امروز به اغفال مردم پرداخته اند دیروز با انتساب به مقامات خارجی ، به غارت گری

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

همان محافل کمک می کردند و امروز که سرنشینان دلیر خوزستان اعلام جهاد مقدس خود را کرده اند این ریزه خواران برای اجرای مأموریت و منویات اربابان خود به این گونه اعمال مرتکب می شوند و تنها ماسک ظاهر فریب دیگری به صورت زده اند بنابر این ما برای آگاهی خاطر هم میهنان عزیز تصریح و تأکید می کنیم که هیچ دسته یا حزب و یا جمعیتی که توسط این قبیل اشخاص برای منظوره‌های پلید و مخوف و مخرب کردن توده‌ها از مبارزه مقدس خود به وجود می آید هیچ انتسابی با شورای متحده کارگران و زحمتکشان آبادان و یا حزب توده ایران ندارند و ما همچنان که خود را برای گرفتن حقوق غصب شده‌های کثیر مردم مسر و محق می دانیم و شعار نابودی قلب کثیف دستگاه خانمان برانداز را وارد در مبارزه خود کرده و در راه حصول پیروزی به پیش خواهیم رفت .

– پاینده باد اتحاد کارگر و دهقان

– زنده باد اتحاد زحمتکش و روشنفکر

– پاینده باد شورای متحده کارگران و زحمتکشان سنگر شکست ناپذیر آزادی خواهان

شورای متحده اتحادیه های کارگران و زحمتکشان آبادان

خطاب به سربازان ارتش بیانیه شورای متحده آبادان

سربازان عزیز:

هیچ شک و شبهه‌ی نیست که شما توده سربازان ارتش برادران عزیز و گرامی ما کارگران و زحمتکشان ایران هستید که طبقات حاکمه برای حفظ آقای و سیادت خود و برای این که ما طبقات کارگر، زارع و پیشه‌ور را در زیر یوغ بردگی و اسارت خود نگه دارند شما را با اسلحه و تعلیمات سربازی مجهز کرده که منافع خود را در مقابل تقاضای توده زحمتکش حفظ کنند.

شما سربازان عزیز می‌دانید که در ارتش چگونه با شما رفتار می‌کنند و از حیث وضع غذا، لباس و رفتار، افسران ارشد چگونه شما را در زیر فشار و محرومیت و بدبختی و گرسنگی نگاه می‌دارند. به ما طبقه کارگر و زحمتکش از کارفرمایان بی‌انصاف، همان رفتار و همان معامله‌ای که به شما در ارتش تحمیل می‌کنند، نیز تحمیل می‌نمایند.

ما تقاضای قانونی و حق مشروعی داریم که می‌خواهیم این حق را به دست بیاوریم و برای به دست آوردن آن، از راه اتحاد و تشکیلات وارد شدیم. ما نه اسلحه‌ی جز اتحاد در دست، و نه حربه‌ی جز تصمیم و ایمان تزلزل‌ناپذیر داریم.

حماسه ۲۳ تیر.....ف.م. جوانشیر

شما سربازان عزیز ، بردران زحمتکش ! متوجه باشید و گول دشمن طبقه کارگر را نخورید . آن ها می خواهند شما را به کشتن برادران خود یعنی ما کارگران و زحمتکشان سوق دهند و برای حفظ منافع انگلیس ها ، شما را آلت دست قرار دهند .

سربازان عزیز ! اجازه ندهید که آن ها منظوره‌های شوم خود را عملی سازند و شما را آلت دست قرار دهند . از تحریکات افسران مرتجع جداً بر حذر باشید و فرمان های خلاف قانون و عقل و منطق را اجرا نکنید . دستورات ارباب های انگلیسی را که توسط بعضی افسران مزدور به شما داده می شود اجرا نکنید و بدانید که تمام توده میهن پرست و وطن دوست و عموم طبقات زحمتکش ایران پشتیبان نیرومند و یار با وفای شما هستند .

- زنده باد ارتش !

- زنده باد سربازان آزادیخواه ۱

- زنده باد اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران !

شورای متحده کارگران و زحمتکشان آبادان

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

شورای متحده به سربازان دستور عدم اطاعت اوامر مافوق را می داد و از این که در میان سربازان پاک و دلیر ایران تفرقه بیاندازد ، ابا نداشت.

این بیانیه شورای متحده ایالتی خوزستان نیز نشان می دهد که شورای متحده کمتر به مسائل مربوط به کار و کارگر پرداخته ، بیشتر به حل مسائل سیاسی می پرداخته است.

* * *

بیانیه شورای متحده ایالتی خوزستان

خطاب به عموم اهالی خوزستان و آزادیخواهان کشور

نهضت های مترقی و مبارزات طبقهٔ مظلوم که برای به دست آوردن حقوق مغضوبهٔ خود و کسب آزادی و استقلال طبقات ستم دیده ، دنبال می نمایند ، پیوسته در کشورها مصادف با دسایس و تحریکات غاصبین بوده و همیشه سعی کرده اند حتی با کشتار دسته جمعی توده ها را از هم متلاشی و اعمال نارویه و ظالمانهٔ خود را جاری نمایند .

در کشور ما استعمارطلبان خارجی ، رضا قزاق را به اریکهٔ سلطنت نشانند و با راهنمایی کردن او نقشه های ماجراجویانهٔ خود را برای مدت بیست سال انجام داده سراسر کشور ما را به قبرستانی تبدیل و شدت ظلم را تاحدی ترقی دادند که با پیشامد واقعهٔ سوم شهریور ۲۰ ، رضاخان از ترس انتقام ملت ، فرار را بر قرار ترجیح داده و به دامان اربابان خود گریخت . در طی حکومت رضاخان مردانی که برای آزادی توده ها ، برای کسب حقوق خود مبارزه می نمودند یکی پس از دیگری دستگیر و به تبعیدگاه ها و سیاه چال قصر قاجار افکنده شدند .

حکومت رضاخان در طی عمر منحوس خود به ملت ایران معنی زجر و ظلم و محرومیت را چشاند و توده ها را برای یک رستاخیز عظیم ملی آماده کرد . فرار نابغهٔ گریز پا و از طرفی ندای قهرمانان گمنام وطن که در انزوا یا در زندان ها و تبعیدگاه ها به سر می بردند طنین انداز شد و هم میهنان خود را به شرکت در مبارزه طلبیدند .

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

مشعل آزادی در میان دریای ظلمت سوسو میزد و ملت ایران که تشنه اصلاحات و آزادی و استقلال بود به گرد آن جمع شدند و با مبارزه لاینقطع که توأم با جان بازی و فداکاری های شگفت آور بود دامنه نهضت و رستاخیز ملی را در سراسر کشور تعمیم دادند ولی همان طور که در بالا اشاره شد دشمنان ملت ، مزدوران خارجی استعمارطلبان بیگانه که بیداری توده ها را مرگ خود می اندیشند به انواع فشار و دسائس متوسل و در هر نقطه از کشور ایران این دسائس به نوعی خودنمایی نمود ارتجاع داخلی به راهنمایی استعمار خارجی که انجام مقاصد خود را در زیر لفافه های فریبنده مواجه با شکست دید ، نقاب خود را بالا زد و در سال گذشته حمله خود را به دستگیری سرلشگر ارفع جاسوس مارک دار بیگانه که ریاست ستاد ارتش را به عهده داشت شروع و با قوای نظامی ، اتحادیه و حزب نیرومند و آزادیخواه توده ایران را در تهران اشغال نظامی نمود و با این عمل به خیال خود اندیشیدند که با اشغال چند دستگاه و زندانی کردن چند نفر ، تشکیلات عظیم و نهضت مترقی ما را که پایه های آن در قلوب توده های وسیع ستم دیده ایران گذارده شده خورد کرده اند ولی همچنان که انتظار می رفت و به ثبوت پیوست ، نه تنها بر تشکیلات ما نتوانستند خللی وارد کنند بلکه با انجام این عمل ، ماهیت خائنانه خود را بهتر نمایان و در نتیجه توده های محروم با ایمان راسخ ، سیل وار به تشکیلات ما روانه و سیل تنفر عمومی ، عاملین آن فجایع از قبیل سید ضیاء

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر
ها، ارفع ها... را - که نوکران خاص و بندگان حلقه به گوش استعمار خارجی بودند - خورد و
درهم شکست .

کارگران نفت جنوب که به قیمت خون خود ماشین های جهان گشایی ارتجاع بین المللی را تغذیه و
تقویت می نمایند و به پاداش در زیر شکنجه و فشار مستقیم امپریالیسم خارجی دست و پا می زنند
با همکاری کلیه اصناف سکنه خوزستان برای کسب حقوق صنفی و ملی خود مبارزه تاریخی خویش
را شروع نمودند ولی شرکت نفت که برای سالیان دراز بدون هیچ مانع و کنترلی به چپاول و یغما
کردن ثروت ملی ما و استثمار توده های ایرانی اشتغال و باعمال نفوذ در کلیه شئون اداری ما بر
خلاف کلیه مواد امتیازنامه و همچنین بدون مراعات تمامیت و استقلال سیاسی کشور در امور داخلی
مداخلت نموده نمی خواهند در مقابل خویش قدرتی از ملت ببینند که با نیروی اتحاد ، طلب حق
خویش می کند . بنابراین به دستگیری مأمورین سیاسی خود از قبیل ماژور جیکاک و کلنل آندرود و
عده ای از کنتراتیچی های نمره دار ، خود را به نام اتحادیه موهوم عشایر مسلح ، واقعه جریان
خونین ۲۳ تیر ماه را به بار آورد و باز هم برای به دست آوردن دست آویز سیاسی جهت شروع کردن
مقاصد پلید خود به کمک مأمورین ناصالح و وظیفه ناشناسی که طوق بندگی بیگانه به گردن نهاده
اند . موفقیت خود را در تجزیه و نابودی کشور می دانند اقدام به تحریکات و دسائس گوناگون نموده،
ولی شورای متحده ایالتی کارگران و زحمتکشان خوزستان به نمایندگی صدها هزار نفر سکنه این

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

استان جداً بر علیه این گونه دسائس اعتراض و اعلام می دارد که ما نه تنها به این نوع حيله و تزویرهای سیاسی تن در نمی دهیم بلکه مصمم تر و قوی تر برای مقاومت آماده تر می شویم و از کلیه نیرو و قدرت تشکیلات کارگری ایران که وابسته به سندیکای جهانی و توسط ۷۱ میلیون کارگران جهانی پشتیبانی می شود کمک می گیریم . در خاتمه به عموم اهالی و سکنه خوزستان که در طی مبارزات اخیر وحدت ملی خود را بر علیه ظلم و جور به منصفه ظهور رسانیدند اعلام می داریم که به هیچ وجه به تحریکات و شایعات مغرضانه و سم پاشی های خائنین و مزدوران اجانب گوش ندهید و با ایمان به این که موفقیت به طور یقین از آن ما خواهد بود کمافی السابق در حفظ نظم کوشا بوده و با متانت و خون سردی که خاصه طبقات مظلوم است ، نقشه های تجزیه طلبانه دشمن را خنثی نمائید .

شورای متحده ایالتی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان خوزستان – آبادان

موفقیت اعتصاب را به عموم زحمتکشان تبریک می گوئیم

رفقای کارگر!

هر چند در اثر تحریک و دسیسه استعمارطلبان و بعضی از مزدوران آن ها زد و خوردی میان عده ای از کارگران و برادران عرب زبان ما درگرفته و تعداد زیادی از کارگران که مورد حمله مسلحانه قرار گرفته بودند کشته و زخمی شدند و خون های بی گناهی تنها برای مطامع بیگانگان به زمین ریخت ، ولی با وجود این پیش آمد های اسف آور ، ما توانستیم موفقیت های مهمی به دست آوریم.

۱- اعتصاب ما ثابت کرد که یک تشکیلات منظم کارگری با اراده و منطق قوی در خوزستان ، مبارزه را برای گرفتن حق خود آغاز کرده است .

۲- این که ما با اعتصاب خود در سراسر خوزستان قدرت تشکیلات منظم خود را به کسانی که می پنداشتند اتحادیه ما تنها برای یکی دو روز است ثابت کردیم که این قدرت اقتصادی شعله آتش مقدس جاودانی است و تا نیل به مقصود خود ، به هیچ قیمتی از فعالیت باز نخواهد نشست.

۳- سرمایه داران و پادشاهان بی تاج و تخت نفت مجبورند در سیاست خود این تشکیلات با عظمت را به حساب بیاورند .

۴- طبق دستور معاون سیاسی نخست وزیر شرکت نفت بایستی از ۲۸ اردیبهشت (۸ جمعه قبل) حقوق جمعه کارگران را پردازد .

حماسه ۲۳ تیر.....ف. م. جوانشیر

۵- بعد از تصویب حداقل دستمزد در کمیسیون کار مرکز ، شرکت مؤظف است که این اضافه را هم از ۸ هفته قبل (یعنی از تاریخ تصویب قانون کار) بپردازد .

۶- شهدای راه آزادی با ریختن خون مردانه خود ، ریشه درخت آزادی را آبیاری کرده و آن را سرسبز و شاداب نمودند . اکنون بعد از این همه فجایع تشکیلات با عظمت ما بیش از پیش مستحکم تر و فولادی تر شد .

- درود بر شهدای راه آزادی

- نیرومند باد شورای متحده کارگران وزحمتکشانشان آبادان

- زنده باد برادران آزادیخواه عرب زبان ما

- پاینده باد ملت ایران و عموم افراد آزادیخواه این کشور.